

شهرستان بسیاری در خدمتش به کسب علم مشغول بودند؛ اما، در پی انقلابی درونی تدریس را کنار گذاشت (صفا، همان‌جا؛ جامی، ص ۶۰۱).

دربارهٔ چگونگی خروج عراقی از دنیای قال و ورود او به عالم حال و تجرد در تذکرها چنین آمده است که در هفده سالگی روزی در مدرسهٔ شهرستان همدان سرگرم تدریس بود که جماعتی از قلندران، همراه پسری زیبارو، غزل‌خوانان و سماع‌کنان به مدرسه درآمدند و غزلی خواندند.

ما رخت ز مسجد به خرابات کشیدیم
خط بر ورق و زهد و کرامات کشیدیم
با شنیدن این غزل انقلابی در وی پدید آمد، در آن لحظه جامه از تن به درآورد و عمامه از سر برداشت و به آن قلندران داد. زمانی گذشت و قلندران از همدان به اصفهان رفتند و چون غایب شدند، حال عراقی دگرگون گشت، کتاب‌ها را دور انداخت و مجردوار به دنبال قلندران رفت. چون به آنان رسید، غزلی برای ایشان خواند و قلندران خرمی‌ها کردند. این واقعه، درست یا نادرست، نشان از این دارد که عراقی در آغاز، سرگرم تعلیم و تعلم علوم بود؛ سپس از مدرسه به خانقاه رفت و این تغییر حال در اوایل جوانی به وی دست داد. پس از چند سال، از ایران به هندوستان رفت و در مولتان به خانقاه بهاء‌الدین زکریای مولتانی، مؤسس سلسلهٔ سهروردیان مولتان، راه یافت (صفا، همان، ص ۵۷۱-۵۷۲؛ جامی، ص ۶۰۱-۶۰۲؛ دولت‌شاه سمرقندی، ص ۲۱۵).

دولت‌شاه سمرقندی در تذکرة الشعرا (ص ۲۱۵-۲۱۶)، عراقی را مرید مستقیم شهاب‌الدین عمر سهروردی شمرده و گفته است که نخست در خدمت او سرگرم سلوک بود و بعد، شهاب‌الدین از وی، به سبب گستاخی‌اش، رنجید و او را برای تأدیب به هندوستان، نزد بهاء‌الدین زکریا، فرستاد. عراقی چهار سال در آن دیار به سر برد. سپس، به فرمان بهاء‌الدین، برای دیدار شهاب‌الدین سهروردی، به عراق بازگشت؛ اما، شیخ

شیخ فخرالدین ابراهیم‌بن بزرگمهر بن عبدالغفار همدانی فراہانی، متخلص به «عراقی»، عارف و شاعر ایرانی قرن هفتم هجری قمری است.

در بعضی تذکرها نام و نسب او را فخرالدین ابراهیم‌بن بوذرجمهر بن عبدالغفار الجوالقی نوشته‌اند و در بعضی دیگر از تذکرها به نام فخرالملة و الدین ابراهیم‌بن بزرجمهر، مشهور به عراقی، از او یاد شده است. مولد او را کومجان (کُمجان) دانسته‌اند. این قریه امروز به نام کُمیجان باقی است و مرکز دهستان بزچلو از توابع اراک است (صفا، ج ۳، بخش ۱، ص ۵۶۹؛ حمدالله مستوفی، ص ۷۳۸؛ دولت‌شاه سمرقندی، ص ۲۱۵؛ جامی، ص ۶۰۱).

سال ولادت فخرالدین در هیچ منبعی نیامده، ولی نویسندهٔ مقدمه و جامع دیوان او در پایان مقدمه‌اش آورده است که گویند چون شیخ فخرالدین بنه جوار رحمت ح ق پیوست سن او به ۷۸ رسیده بود. وفات او در هشتم ذی‌القعدهٔ ۶۸۸ بوده است و ایشان در آن سال ۷۸ سال داشت؛ پس، نتیجه می‌گیریم که ولادتش به سال ۶۱۰ ق اتفاق افتاده است. فصیح خوافی تاریخ فوت عراقی را در محرم ۶۸۶ دانسته که گفتهٔ او صحیح‌تر به نظر می‌رسد. وی را در پشت مزار محیی‌الدین بن عربی، واقع در دامنهٔ جبل صالحیهٔ دمشق، به خاک سپردند و پسرش کبیرالدین نیز، که در ۷۰۰ ق در دمشق درگذشت، در جوار پدر مدفون شد؛ و عجیب آنکه اکنون اثری از گور پدر و پسر باقی نیست (صفا، همان، ص ۵۷۰، ۵۷۶؛ جامی، ص ۶۰۵؛ دولت‌شاه سمرقندی، ص ۲۱۶؛ حمدالله مستوفی، همان‌جا).

خاندان عراقی اهل علم بودند. دربارهٔ کرامات او روایاتی در منابع دیده می‌شود که البته به سبب اعتقاد بیش از اندازهٔ پیروان و مریدانش به اوست. از مطالب غریبی که در احوال او ذکر کرده‌اند، آن است که در هفده سالگی از همهٔ علوم معقول و منقول آگاهی داشت؛ به حدی که در شهر همدان در مدرسهٔ

حمد رضا شمس اردکانی ve dğr.; تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و

ایران، (جلد دوم) تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱ ISAM DN. 260936

بندگی: ۸۵، آزادی: ۸۵، دیوانگی: ۸۵، مدهوشی: ۸۶، بی‌هوشی: ۸۶، خرابی: ۸۶، بنوایی: ۸۶، فقر: ۸۶، سعادت: ۸۶، شقاوت: ۸۶، دوری: ۸۷، نزدیکی: ۸۷، میدان: ۸۷، چوگان: ۸۷، گوی: ۸۷، تظلم: ۸۷، ناله: ۸۸، فریاد: ۸۸، آه: ۸۸، فغان: ۸۸، رنج: ۸۸، درد: ۸۸، بیماری: ۸۹، مردن: ۸۹، زندگی: ۸۹، راحت وجود: ۸۹، ناتوانی: ۸۹، تندرستی: ۸۹، افتادگی: ۸۹، پاک‌بازی: ۹۰، علو: ۹۰، حضور: ۹۰، غیبت: ۹۰، گرمی: ۹۰، سردی: ۹۰، خواب: ۹۱، بیداری: ۹۱، شتر: ۹۱، قطار: ۹۱، علف: ۹۱، محل: ۹۱، علف: ۹۲، ساریان: ۹۲، زر: ۹۲، سیم: ۹۲، گوهر: ۹۲، جست و جوی: ۹۲، شست و شوی: ۹۲، تعلیقات و قیاسات: ۹۵، ان‌الله خلق آدم علی صورته: ۹۷، طبایع اربعه: ۹۸، شنگی: ۹۸، لوامع: ۹۸، طوابع: ۹۸، امیری: ۹۹، دوستکامی: ۱۰۰، وجود مطلق: ۱۰۰، وجود مستعار: ۱۰۱، اسماء سبعة: ۱۰۱، چشم خمار: ۱۰۲، چشم آهوانه: ۱۰۲، وقت: ۱۰۲، محادثه: ۱۰۳، غیوقی: ۱۰۳، سواد اعظم: ۱۰۴، کفر: ۱۰۴، کلیسا: ۱۰۵، پاییز: ۱۰۵، زردی: ۱۰۵، دهان کوچک: ۱۰۵، زبان تلخ: ۱۰۶، مقام طمس: ۱۰۶، راندگی: ۱۰۷، شتر: ۱۰۷، قطار: ۱۰۷، زر: ۱۰۷، شست و شوی: ۱۰۸، فهرست‌ها: فهرست الفبایی اصطلاحات استعاری: ۱۱۱، فهرست اضداد: ۲۳، فهرست مشاکل‌ها و مناسب‌ها: ۱۲۵، فهرست لغات، اصطلاحات و تعبیرات: ۱۲۹.

فخرالدین عراقی، ابراهیم بن بزرگمهر (۶۱۰-۶۸۸ق)

۳۰۸. لمعات به انضمام سه شرح از قرن هشتم هجری، تحقیق محمد

خواجوی، تهران: مولی، ۱۳۷۱، چاپ دوم، ۱۴۹ص، رقعی.

- از مهم‌ترین متون صوفیانه به سبک سوانح احمد غزالی

درباره دنیای پر رمز و راز عشق و آداب و احوال آن است که

شرح‌های بسیاری نیز بر آن نوشته شده است.

● فهرست

مقدمه مصحح: ۹، شرح حال شیخ فخرالدین عراقی: ۲۶، لمعات: ۴۳، مقدمه لمعات: ۴۷، لمعه اول: ۴۹، لمعه دوم: ۵۲، لمعه سوم: ۵۶، لمعه چهارم: ۵۹، لمعه پنجم: ۶۲، لمعه ششم: ۶۶، لمعه هفتم: ۶۸، لمعه هشتم: ۷۳، لمعه نهم: ۷۶، لمعه دهم: ۷۸، لمعه یازدهم: ۸۱، لمعه دوازدهم: ۸۳، لمعه سیزدهم: ۸۵، لمعه چهاردهم: ۹۰، لمعه پانزدهم:

طاق ایرو: ۵۶، مژه: ۵۷، چشم: ۵۷، دیده: ۵۷، چشم سرمست: ۵۷، چشم خمار: ۵۷، چشم آهوانه: ۵۸، در اسامی که میان عاشق و معشوق متداول است: عشرت: ۵۹، عیش: ۵۹، شراب: ۵۹، شراب خام: ۶۰، شراب پخته: ۶۰، شرابخانه: ۶۰، می: ۶۰، میخانه: ۶۰، میکده: ۶۱، خمخانه: ۶۱، باده: ۶۱، ساقی: ۶۱، جام: ۶۱، صراحی: ۶۱، خم: ۶۱، جرعه: ۶۱، قدح: ۶۲، مستی: ۶۲، مست خراب: ۶۲، نیم مستی: ۶۲، خرابات: ۶۲، هشیاری: ۶۳، خمار: ۶۳، رندی: ۶۳، قلاشی: ۶۳، اوباشی: ۶۳، سرانجام: ۶۳، لایالی: ۶۴، شمع: ۶۴، شاهد: ۶۴، تجلی: ۶۴، قل: ۶۵، کباب: ۶۵، صبوخی: ۶۵، غیوقی: ۶۵، صبح: ۶۵، بامداد: ۶۶، شبانگاه: ۶۶، روز: ۶۶، شب: ۶۶، شب قدر: ۶۶، شب یلدا: ۶۶، عید: ۶۶، نوروز: ۶۷، کفر: ۶۷، کافر: ۶۷، ترسایچه: ۶۷، دژ: ۶۷، کلیسیا: ۶۷، چلیپا: ۶۸، ناقوس: ۶۸، زنار: ۶۸، بت: ۶۸، غواصی: ۶۸، دریا: ۶۸، توبه: ۶۹، ایمان: ۶۹، اسلام: ۶۹، دین: ۶۹، زهد: ۶۹، عبادت: ۶۹، نماز: ۷۰، روزه: ۷۰، زکات: ۷۰، کعبه: ۷۰، حج: ۷۰، بیابان: ۷۰، طاعات: ۷۰، خرقة: ۷۱، سجاجده: ۷۱، فروختن: ۷۱، گروگردن: ۷۱، پاییز: ۷۱، زمستان: ۷۱، بهار: ۷۱، تابستان: ۷۱، گلزار: ۷۲، بستان: ۷۲، گل: ۷۲، سرو: ۷۲، لاله: ۷۲، نرگس: ۷۲، سبزه: ۷۲، ریحان: ۷۳، نشو: ۷۳، نما: ۷۳، زردی: ۷۳، سرخی: ۷۳، سبزی: ۷۳، ابر: ۷۴، باران: ۷۴، سیل: ۷۴، نسیم: ۷۴، بوی: ۷۴، مطرب: ۷۴، نای: ۷۵، دف: ۷۵، ترانه: ۷۵، چشم شهلا: ۷۵، چشم ترک: ۷۵، چشم نرگس: ۷۶، روی: ۷۶، ماهروی: ۷۶، چهره: ۷۶، رخ: ۷۷، چهره گلگون: ۷۷، خال سیاه: ۷۷، خط سبز: ۷۷، خط سیاه: ۷۷، لب لعل: ۷۷، لب شکرین: ۷۸، لب شیرین: ۷۸، دهان: ۷۸، دهان کوچک: ۷۸، سخن: ۷۸، سخن شیرین: ۷۸، در سخن: ۷۹، سخن چرب: ۷۹، زبان: ۷۹، زبان شیرین: ۷۹، زبان چرب: ۷۹، زبان تلخ: ۷۹، زنج: ۷۹، سبب زنج: ۷۹، چاه زنج: ۸۰، غیغ: ۸۰، بناگوش: ۸۰، دوش: ۸۰، سینه: ۸۰، قفا: ۸۰، بز: ۸۰، میان: ۸۰، میان یاریک: ۸۱، موی میان: ۸۱، دست: ۸۱، ساعد: ۸۱، انگشت: ۸۱، بازو: ۸۱، هدیه: ۸۱، بعثت: ۸۲، سلام: ۸۲، پیام: ۸۲، در کلماتی که مخصوص به عاشق و احوال اوست: وصال: ۸۳، کنار: ۸۳، بوس: ۸۳، فراق: ۸۴، هجران: ۸۴، غم: ۸۴، اندوه: ۸۴، غمکده: ۸۴، وجدان و فقدان و حزن: ۸۴، کلبه احزان: ۸۵، مخنت: ۸۵،

فرهنگ آثار عرفان اسلامی: راه‌نمای موضوعات و مضامین، گردآوری سیدرضا باقریان موحد، با همکاری احمد

شاکر نژاد، حسین مرادی: قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵. ISAM DN. 260931

Subscription Information

For information and subscription rates please see www.tandfonline.com/pricing/journal/came.

A subscription to the institution print edition, ISSN 1475-262X, includes free access for any number of concurrent users across a local area network to the online edition, ISSN 1475-2638.

Dollar rates apply to all subscribers outside Europe. Euro rates apply to all subscribers in Europe, except the UK where the pound sterling price applies. If you are unsure which rate applies to you please contact Customer Services in the UK. All subscriptions are payable in advance and all rates include postage. Journals are sent by air to the USA, Canada, Mexico, India, Japan and Australasia. Subscriptions are entered on an annual basis, i.e. January to December. Payment may be made by sterling cheque, dollar cheque, euro cheque, international money order, National Giro or credit cards (Amex, Visa and Mastercard).

Subscriptions purchased at the personal rate are strictly for personal, non-commercial use only. The reselling of personal subscriptions is prohibited. Personal subscriptions must be purchased with a personal cheque or credit card. Proof of personal status may be requested.

Taylor & Francis has a flexible approach to subscriptions enabling us to match individual libraries' requirements. This journal is available via a traditional institutional subscription (either print with online access, or online only at a discount) or as part of the Literature Library. For more information on our sales packages please visit <http://www.tandfonline.com/page/librarians>

For a complete and up-to-date guide to Taylor & Francis's journals and books publishing programmes, and details of advertising in our journals, visit our website: <http://www.tandfonline.com>

Ordering information:

Please contact your local Customer Service Department to take out a subscription to the Journal: **USA, Canada:** Taylor & Francis, Inc., 530 Walnut Street, Suite 850, Philadelphia, PA 19106, USA. Tel: +1 800 354 1420; Fax: +1 215 207 0050. **UK/Europe/Rest of World:** T&F Customer Services, Informa UK Ltd, Sheepen Place, Colchester, Essex, CO3 3LP, United Kingdom. Tel: +44 (0) 20 7017 5544; Fax: +44 (0) 20 7017 5198; Email: subscriptions@tandf.co.uk

Advertising enquiries to:

USA/Canada: The Advertising Manager, Taylor & Francis, 530 Walnut Street, Suite 850, Philadelphia, PA 19106, USA. Tel: +1 (800) 354 1420. Fax: +1 (215) 625 2940. **EU/RoW:** The Advertising Manager, Taylor & Francis, 4 Park Square, Milton Park, Abingdon, Oxfordshire OX14 4RN, UK. Tel: +44 (0)207 017 6000. Fax: +44 (0)207 017 6336.

US Postmaster: Please send address changes to CAME, Taylor & Francis, 530 Walnut Street, Suite 850, Philadelphia, PA 19106.

Copyright © 2018 Informa UK Limited, trading as Taylor & Francis Group. All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored, transmitted, or disseminated, in any form, or by any means, without prior written permission from Informa UK Limited, trading as Taylor & Francis Group, to whom all requests to reproduce copyright material should be directed, in writing.


Informa UK Limited, trading as Taylor & Francis Group, grants authorization for individuals to photocopy copyright material for private research use, on the sole basis that requests for such use are referred directly to the requestor's local Reproduction Rights Organization (RRO). In order to contact your local RRO, please contact International Federation of Reproduction Rights Organizations (IFRRO), rue du Prince Royal, 87, B-1050 Brussels, Belgium; e-mail: ifrrro@skynet.be; Copyright Clearance Center Inc., 222 Rosewood Drive, Danvers, MA 01923, USA; e-mail: info@copyright.com; or Copyright Licensing Agency, 90 Tottenham Court Road, London W1P 0LP, UK; e-mail: cla@cla.co.uk. This authorization does not extend to any other kind of copying, by any means, in any form, and for any purpose other than private research use.

03 Mart 2019

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

MIDDLE EASTERN LITERATURES
2018, VOL. 21, NO. 1, 1-27
<https://doi.org/10.1080/1475262X.2018.1492134>

Routledge
Taylor & Francis Group

 Check for updates

Embodying the beloved: embodiment, (homo)eroticism, and the straightening of desire in the hagiographic tradition of Fakh al-Dīn 'Irāqī

Fahreddin-i Iraki
060015

Matthew Thomas Miller

Roshan Institute for Persian Studies, University of Maryland, College Park, MD, USA

ABSTRACT

Modern treatments of Sufi love theory have had a pronounced tendency to disembodiment and "straighten" Sufi eroticism in various ways. Focusing primarily on a series of anecdotes from the hagiography of the thirteenth-century Persian poet and profligate Sufi lover, Fakh al-Dīn 'Irāqī, the author argues that the centrality of bodies and embodied textual performances of Sufi love theory in Sufi hagiographic works not only militates against efforts to reduce this form of desire to a disembodied or philosophical love of "beautiful forms," but it also helps us to re-embodiment a particular type of beloved: a same-sex beloved who often gets obscured and metaphorized out of corporeal existence in much modern scholarship. Medieval Sufi eroticism, the author concludes, should not be viewed as a rejection of the body and sexuality, but rather an effort to harness the considerable affective potency inherent in these phenomena for spiritual ends.

KEYWORDS

Hagiography; homoeroticism; embodiment; Islam; Fakh al-Dīn 'Irāqī; Sufism; sexuality; gender

01258



Introduction: O Boy! Straightening 'Irāqī's homoerotic initiation to the qalandari way

The thirteenth-century Persian Sufi poet, Fakh al-Dīn 'Irāqī (d. 688/1289), was famous for many things: he was a great poet, the author of one of the most important treatises on Sufi love theory (i.e. *Lamā'āt*), and undoubtedly, one of the most profligate practitioners of Sufi ritual "love play" (*'ishq-bāzī*).¹ This last point is reflected well in his hagiography, which contains more than a half dozen anecdotes of him engaging in different forms of *'ishq-bāzī* with various earthly beloveds all of the way from India to Anatolia. It is, in fact, his predilection for falling in love with earthly beauties that led to his initial conversion to a particular antinomian mode of Sufism championed by figures known as the "qalandars."² In what is surely one of the most emblematic stories of Sufi (homo)eroticism in medieval Persian literature, 'Irāqī's anonymous hagiography reports that one day as young 'Irāqī is teaching the traditional Islamic sciences in a madrasa in his hometown of Hamadān, a wild band of qalandars rushes into his assembly, disturbing not only the day's lesson and the orderly piety of its congregants but indeed the very core of 'Irāqī's being.³

CONTACT Matthew Thomas Miller  mtmiller@umd.edu  Roshan Institute for Persian Studies, University of Maryland, 1220 Jimenez Hall, College Park, MD 20742, USA

© 2018 Informa UK Limited, trading as Taylor & Francis Group

فرامی دادند.

هنوز هفده ساله بود که بر تمام دانشها اعم از معقول و منقول اطلاع یافت تا این که در مدرسه شهرستان همدان به تعلیم و تدریس مشغول شد. در این اثنا بر اثر های و هوی و سماع قلندران، اضطرابی در او ایجاد گشت و به هندوستان و در شهر ملتان، به خانقاه مولانا بهاءالدین زکریا ملتانی (م ۶۶۶ ق) وارد شد. شیخ ملتان با استعدادی که در او یافت وی را به خلوت نشانید. هنوز ده روزی بیش از خلوتش نگذشته بود که وجدی بر او دست داد و این غزل معروف:

نخستین باده کاندر جام کردند

ز چشم مست خویان وام کردند

را انشاء کرد. دوره خلوت نشینی او خیلی زود به اتمام رسید و مرشدش خرقه خویش را بدو پوشاند و دخترش را به نکاح او درآورد. گفته اند شیخ فخرالدین مدت بیست و پنج سال در خدمت شیخ ملتان بود، چون رحلتش نزدیک شد عراقی را خلیفه خود ساخت. مریدان که کینه وی را در دل داشتند پیش سلطان وقت سعایتش کردند، بدین جهت او به همراه یاران نزدیک خود از هندوستان به قصد طواف خانه خدا بیرون آمد. بعد از حج گذاری به دمشق و سپس با دو تن از مریدان به روم در خدمت صدرالدین قونوی (م ۶۷۳ ق) رسید و در خدمت او کتاب *فصوص الحکم* و فتوحات مکیه ابن عربی را فراخواند و در این اثنا، عراقی کتاب معروف *لمعات* را نوشت. شیخ در دیار روم میدان بسیار یافت از جمله: معین الدین پروانه آنچنان به وی علاقمند بود که خانقاهی در دوقات برای شیخ ساخت. عراقی با ورود به مصر شیخ الشیوخ آنجا شد و ملک ظاهر رکن الدین بئیرس که ارادتمند او شده بود خانقاهی به نام بیبرسیه برایش مهیا ساخت. سپس به دمشق بازگشت که پسرش کبیر الدین اسماعیل، نوه دختری شیخ زکریا ملتانی بدو پیوست. گفته اند زمانی که عراقی در دیار روم اقامت داشته با مولانا جلال الدین بلخی روابط فراوان داشته است؛ همچنین به وجود روابطی بین عراقی و شمس الدین جووتی صاحب *دیوان* قائلند، تا جایی که وی ده نامه یا عشاق نامه را برای او سرود و در دیباچه او را ستوده است. وفاتش در هشتم ذی القعدة ۶۸۸ ق در سن هفتاد و هشت سالگی و مرقدش در پشت مزار شیخ محیی الدین ابن عربی در صالحیه دمشق بوده است. هر چند هم اکنون هیچ اثری از مرقد عراقی در این مکان موجود نیست.

اندیشه و مشرب عرفانی عراقی، می دانیم فخر الدین عراقی در اران جوانی با قلندران به ویژه مرام چشتیه، با سفر به هندوستان

در حوادث و انتخابات اخیر عراق و تعیین وزراء و دفاع داهیانه از حقوق شیعیان عراق داشته اند. و آقای سیستانی کلیه روحانیون شیعه را از دخالت در امور اجرائی منع فرموده اند. و همچنین پس از اشغال عراق شیعیان توسط گروهک القاعده (شاخیه الرافدین که سنی هستند) در امان نبوده و شهدای بسیاری داده است.

منابع: جز آنچه در متن آمده، *تاریخ العراق بین احتلالین*، هشت مجلد، *تاریخ الوزارات العراقیه*، تمام مجلدات؛ *خطط الکوفه*، تمام صفحات؛ *الحوزات العلمیه فی الاقطار الاسلامیه*، ۹۱ به بعد؛ *دائرة المعارف الاسلامیه الشیعیه*، ۴۴۱/۱۵؛ *دورالمراقده فی حیاة الشعوب*، به زبان عربی از نویسنده مقاله، تمام صفحات؛ *الشیخ من فرق الغلاة فی العراق و الصابون فی حاضرهم و ماضیهم*، تمام صفحات؛ *الطریقه الصغویه و روایها فی العراق المعاصر* (تمام صفحات)، *الکاکابه فی التاریخ*، تمام صفحات؛ *الثورة العراقیه الکبری*، *حسینی؛ دلیل العراق و الثورة العراقیه*، عبدالله (فیاض).

عبدالحسین شهیدی صالحی

عراق عَجَم ← عراق؛ اراک

عراقی، آقا ضیاءالدین (۱۲۷۸-۱۳۶۱ ق)، فرزند ملا محمد عراقی معروف به آقا ضیاءالدین، عالم، فقیه، محدث، در اراک چشم به جهان گشود. وی از بزرگان فقهای متأخر و از شاگردان برجسته آخوند خراسانی، و سایر اساتید بود. حدود سی سال در نجف تدریس نمود و بیشتر فقهای عصر حاضر چون آیت الله خویی، سید محمد تقی خوانساری، سید عبدالهادی شیرازی و عده ای از آیات از محضر ایشان استفاده کرده اند. کتاب *المقالات الاصولیه تکمیله* و شرح *تبصره علامه قضا*، بیع از تألیفات ایشان است.

منابع: *ریحانه الادب*، ۵۵/۱؛ *طبقات اعلام الشیعه*، ۹۵۶/۱۰؛ *تنباه البیشر*، ۹۵۶؛ *الذریعه*، ۱۳۵/۱۳، ۳۸۹/۲۱؛ *تورفتنگ بزرگان اسلام و ایران*، ۲۴۸؛ *تاریخ قفه و قفها*، ۲۸۳.

عراقی، فخرالدین ابراهیم بن بُزْجَمهر همدانی، شاعر و عارف بزرگ ایرانی قرن هفتم متخلص و مشهور به عراقی. در ده کومجان همدان [اراک کنونی] به دنیا پای نهاد. اجدادش از دانشمندان و فاضلان روزگار خود بودند. در سن پنج سالگی راهی مکتب شد و پس از گذشت نه ماه قرآن را حفظ نمود. هشت ساله بود که به خاطر آواز حزین و صوت زیبای قرآنی در همدان شهرت یافت، به گونه ای که بسیاری از مردم دورش جمع می شدند و گوش

29 Haziran 2018

MADDE YAYIMLANDIKTA:
SUNMA GELEN DOKUMAN.

060015

DIA

FAHREDDÎN-i IRÂKÎ

Feuillebois-Pierunek, Ève

A la croisée des voies célestes: Faxr al-Din 'Erâqî; poésie mystique et expression poétique en perse médiévale .-- Institut Français de Recherche en Iran, Tehran, 2002 :

Persian literature: classical | Sufism (mysticism); 'Irâqî, Fakhr al-Dîn

-Fahreddin-i Iraki

2265. 'Irāqī, Faḥr-ad-Dīn Ibrāhīm Hamadānī. Kulliyāt-i dīwān / Faḥr-ad-Dīn Ibrāhīm Hamadānī mutahallaṣ ba-'Irāqī. - Čāp 5. - Tihrān: Sāzmān-i Intiṣārāt-i Ğawīdān, [1989] = 1368 h.š. - 32, 448 S. In arab. Schr., pers.

27 HAZİRAN 1992

MADE YATIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

Eṣṣi'atü'l-Lema'at (Câmi'in)

27 AGUSTOS 1992

Browne L. H. Persia, III. 445. bk. Lemaat

891.45

MADE YATIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

Fahreddin Iraki

R1 A la croisée des voies célestes: Faḥr al-Dīn 'Erāqī; poésie mystique et expression poétique en perse médiévale / Feuillebois-Pierunek, Ève. Tehran, 2002 Dor, Rémy. Cahiers d'Asie Centrale, 11-12 (2003), pp.346-347 (F)

Fahruddin Iraki?

31 AGUSTOS 1992

Zerinkub, Ek, 142 vd.

Lemaat (Fahreddin Iraki) in esen.

11 HAZİRAN 1992

Browne L. H. Persia, III, 132 vd.

891.59

Fahreddin Iraki

16 AGU 2007

1795 FEUILLEBOIS-PIERUNEK, Ève. Le portrait physique du bien-aimé dans la poésie persane et son sens symbolique: l'exemple de Faḥr al-Dīn 'Erāqī (m. 1289). Iran. questions et connaissances. Actes du IVe Congrès Européen des Études Iraniennes ... Paris ... 1999. Vol. II: Périodes médiévale et moderne. Textes réunis par Maria Szuppe. Paris: Association pour l'Avancement des Études Iraniennes, 2002, (Studia Iranica Cahier, 26), pp.125-140.

MADE YATIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

خزالدین عراقی، نکتہ "طبعات" ی

Vusuli Mehmed Çelebi (ölmü

998/1590) tarafından serüme edilmiştir. Bk. Necdet Öztürk, Kaynaklar Vusuli Mehmed Çelebi, Türk Dünyası Araştırmaları, Ankara

-HAFIZ-I SIRAZI
-060015 FAHREDDIN-I IRAKI
-SADI-I SIRAZI 90-933079
Subhānī, Tawfiq.
Ta'ṣṣur-i Ḥāfiẓ az 'Irāqī va Sa'dī / nivīsh-
tah-'i Tawfiq Ḥ. Subhānī. - Čāp-i 1. -
(Tehran) : Payk-i Tarjamaḥ va Nashr,
1368 [1989 or 1990]
239 p. ; 22 cm.
In Persian; romanised record.
Includes bibliographical references (p.
237-239)
750.001R (\$6.01 U.S.)
(On the influence of Sa'dī, 14th cent., and
Faḥr al-Dīn Ibrāhīm 'Irāqī, d. 1289?, on
the poetry of Ḥāfiẓ, 14th century, Sufi poet)

01 ARALIK 1999

13 KASIM 1991

FED

made: Fahreddin-i Iraki

060015

A. Br. : c. VIII, s. 424
B. L. : c. VII, s.
F. A. : c. , s.
M. L. : c. , s.
T. A. : c. , s.

26 KASIM 1993

060015 FAHREDDIN-I IRAKI 86-931399

'Irāqī, Fakhr al-Dīn Ibrāhīm, d. 1289? Lama'āt / taṣnīf-i Fakhr al-Dīn 'Irāqī; bi- ingimān-i sih sharḥ az shurūḥ-i qarn-i hashtum Hijrī; bā muqaddamah va taṣḥīḥ-i Muḥammad Khvājavī. — Chāp-i 1. — [Tehran]: Intishārāt-i Mawla, 1363 [1984] 149 p. : facsims. ; 21 cm. In Persian; romanized record. Includes indexes. 280.00 IR (pbk.) (A classical work on Sufism)

FAHREDDIN-I IRAKI

925. [KARIMI-HAKKAR] KARIMI-HAKKĀK, Aḥmad. "Sā'erān-e mā : 'Erāqī". *Peyvaste Par* n° 2 (Tir 1366/1987) pp. 18-32. [Nos poètes : 'Erāqī]

02 MART 1994

L'A. présente une série de réflexions à lui suggérées par les *Kolliyāt* (œuvres complètes) du grand poète persan Faxroddin Ebrāhīm 'Erāqī (ca. 606-610 h. à ca. 680-688 h./XIII^e s.) dans l'édition de Sa'īd Nafisi, *Ketābxāne-ye Sanā'i*, 4^e éd., 1338/1959. Tout l'intérêt de cet article repose sur la réflexion critique que l'A. fait sur les critères historiques retenus par Nafisi pour établir dans son introduction une biographie de 'Erāqī. Cette biographie, en effet, est rédigée à partir des différentes introductions des œuvres du poète, jusqu'à cette introduction d'une vingtaine de pages reproduite intégralement par Nafisi, et qui remonterait à une trentaine d'années seulement après la mort présumée du poète. Très subtilement, l'A. remet en question le rapport systématique entre ancienneté et authenticité et il préfère rechercher dans les poèmes eux-mêmes les critères de leur définition. Ch. B.

Fahreddin-i Iraki
109
LEMEAT
FAHREDDIN-I IRAKI

552. IRAQI, Fakhruddin, *Divine Flashes*, trad. du pers. par W.C. Chittick et P.L. Wilson, New York-Ramsey-Toronto, Paulist Press, 1982, 178 p.

Les célèbres *Lama'āt* de 'Irāqī (m. 1289), l'une des œuvres les plus fameuses de la poésie et du lyrisme mystiques de langue persane, sont à présent accessibles au public occidental. L'œuvre, bien que de dimensions modestes (28 brefs chapitres comprenant des poèmes et des considérations et aphorismes concis) est d'une densité et d'une profondeur exceptionnelles, présentant la quintessence de la spiritualité soufie de cette époque «classique»: 'Irāqī fut le contemporain de Rūmī et de Qunawī, et son inspiration comme son expérience religieuse rejoint la leur. Le travail de W.C. Chittick et de P.L. Wilson n'a pas seulement le mérite d'offrir une excellente traduction, dans un anglais clair et précis: il lui adjoint une substantielle introduction à la métaphysique soufie (p. 3 à 32), une biographie détaillée de 'Irāqī (p. 33 à 66), et enfin un commentaire particulier pour chacun des 28 thèmes abordés dans le texte (p. 130 à 167). La compétence scientifique des présentateurs en matière de doctrine métaphysique n'écarte nullement une approche plus «sentie» et intime de l'expérience soufie; en cela, la qualité des commentaires est à la mesure de celle du texte présenté. P. L.

Abst. Ir., VII, 160, 1984 Leiden

552. IRAQI, Fakhruddin, *Divine Flashes*, trad. du pers. par W.C. Chittick et P.L. Wilson, New York-Ramsey-Toronto, Paulist Press, 1982, 178 p.

Les célèbres *Lama'āt* de 'Irāqī (m. 1289), l'une des œuvres les plus fameuses de la poésie et du lyrisme mystiques de langue persane, sont à présent accessibles au public occidental. L'œuvre, bien que de dimensions modestes (28 brefs chapitres comprenant des poèmes et des considérations et aphorismes concis) est d'une densité et d'une profondeur exceptionnelles, présentant la quintessence de la spiritualité soufie de cette époque «classique»: 'Irāqī fut le contemporain de Rūmī et de Qunawī, et son inspiration comme son expérience religieuse rejoint la leur. Le travail de W.C. Chittick et de P.L. Wilson n'a pas seulement le mérite d'offrir une excellente traduction, dans un anglais clair et précis: il lui adjoint une substantielle introduction à la métaphysique soufie (p. 3 à 32), une biographie détaillée de 'Irāqī (p. 33 à 66), et enfin un commentaire particulier pour chacun des 28 thèmes abordés dans le texte (p. 130 à 167). La compétence scientifique des présentateurs en matière de doctrine métaphysique n'écarte nullement une approche plus «sentie» et intime de l'expérience soufie; en cela, la qualité des commentaires est à la mesure de celle du texte présenté. P. L.

109
LEMEAT
FAHREDDIN-I IRAKI

18 OCAK 1994

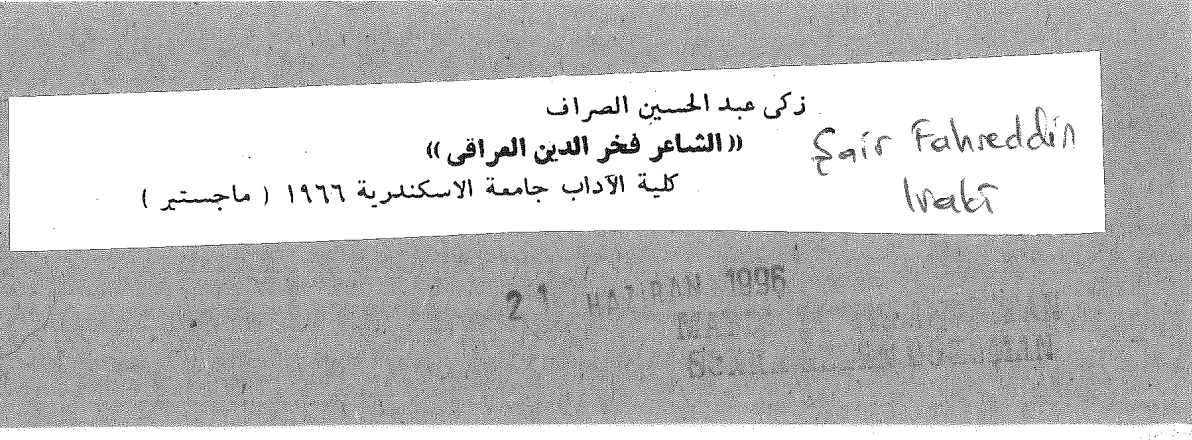
محتشم نسرین. "نامه‌ای از فخرالدین عراقی". رشد آموزش ادب فارسی، سال ۲، ش ۲، ۵۰۴ (زمستان ۱۳۶۴، بهار ۱۳۶۵)، ص: ۱۳-۱۴.

FAHREDDIN-I IRAKI

SOMMA VELLA KURUMAN

عراقی، ابراهیم بن بزرگمهر (۶۱۰-۶۸۸ ق)
شرح و حاشیه سید محمود طباطبایی اردکانی، به کوشش محمد علی شاکری یکتا؛ سید زامک طباطبایی اردکانی، تهران: قطره، چاپ اول/ ۱۱۰۰ نسخه، ۱۴۱ ص، فارسی، وزیری (شمیز)، بها: ۷۰۰۰ ریال، قهارس: اعلام، آیات. *Fahreddin Iraki* شابک: ۹۶۴-۳۴۱-۰۷۵-۷ کنگره: PIR۵۲۴۵/T۲ کد پارسا: B۱۷۰۳۹

13 MAR 1994



21 MAR 1996

LEMEAT
FAHREDDIN-I IRAKI

552. IRAQI, Fakhruddin. *Divine Flashes*, trad. du pers. par W.C. Chittick et P.L. Wilson, New York-Ramsey-Toronto, Paulist Press, 1982, 178 p.

Les célèbres *Lama'āt* de 'Irāqī (m. 1289), l'une des œuvres les plus fameuses de la poésie et du lyrisme mystiques de langue persane, sont à présent accessibles au public occidental. L'œuvre, bien que de dimensions modestes (28 brefs chapitres comprenant des poèmes et des considérations et aphorismes concis) est d'une densité et d'une profondeur exceptionnelles, présentant la quintessence de la spiritualité soufie de cette époque «classique»: 'Irāqī fut le contemporain de Rūmī et de Qunawī, et son inspiration comme son expérience religieuse rejoint la leur. Le travail de W.C. Chittick et de P.L. Wilson n'a pas seulement le mérite d'offrir une excellente traduction, dans un anglais clair et précis: il lui adjoint une substantielle introduction à la métaphysique soufie (p. 3 à 32), une biographie détaillée de 'Irāqī (p. 33 à 66), et enfin un commentaire particulier pour chacun des 28 thèmes abordés dans le texte (p. 130 à 167). La compétence scientifique des présentateurs en matière de doctrine métaphysique n'écarte nullement une approche plus «sentie» et intime de l'expérience soufie; en cela, la qualité des commentaires est à la mesure de celle du texte présenté. P. L.

Fahreddin Iraki

31 AGUSTOS 1992

Browne
L.H. Persia, @. 124-139

FAHREDDIN-I IRAKI

85-932116

'Irāqī, Fakhr al-Dīn Ibrāhīm, d. 1289? Kulliyāt-i divān-i Shaykh Fakhr al-Dīn Ibrāhīm Hamadānī mutakhalliṣ bi-'Irāqī: shāmil-i qaṣāyid ...; havāshī va ta'līqāt az M. Darvīsh. — Chāp-i 3. — [Tehran]: Sāzmān-i Intishārāt-i Jāvidān, 1362 [1983] 32, [17]-448 p. ; 24 cm. Poems. In Persian; romanized record. Running title: Divān-i 'Irāqī. 800.00 IR (Collected works)

18 OCAK 1994

Fahreddin-i Iraki

26 SUBAT 1992

245. Yār 'Alī al-Širāzī

Šarḥ-i Lama'āt-i Fakhr al-Dīn-i 'Irāqī
Baş : ...
Şehid Ali nr. 2735 (yap. 126 b-170 b, ist. 878 h.).

891.59

71. Fahr al-Din-i 'Irākī (ölm. 688 h.= 1287 m., Ateş, s. 160-167; GAL, S. I, 792).

— *Dih faşl* (manzum)

Baş : هرکه جان دارد و روان دارد واجبت انکه ورد ...

Ayasofya nr. 4792 (yap. 638 b-649 b, ist. 816 h.).

— *Lama'at*

Baş : الحمد لله الذى نور وجه حبيبه بتجليات اجال...
Ayasofya nr. 4795 (yap. 181 b-194 a, ist. 854 h.),

Şehid Ali nr. 2703 (yap. 17 b-35 a, ist. 731 h.),

Diyarbakır, Osman Ocak Kütüp. (Bir mecmua içinde 4. risâle yap. 92 a-119 a, ist. 776 h.).

Türk ve İslâm Eserleri Müzesi nr. 2031 (71 yaprak, ist. 881 h.).

Şarh-i *Lama'at* (şârihin adı zikredilmiyor)

Baş : مزای ثنای بی عد ولایق سیاس بی قیاس...

Manisa nr. 1066/1 (yap. 1-83 a, ist. 939 h.).

— *Risâla-i talâkiniyya*

Baş : الحمد لله الذى يفتى دقائق العرفان بترجمان ...

Tire, Necib Paşa nr. 333/20 (yap. 505 a-511 a, ist. 1062 h.).

Nurettin Bayburtluoğlu

• İstilahat-ı Ehl-i Tasavvuf-Şeyh Fahrreddin İrakî'den tercüme, M.Ü.İlahiyat Fak. Dergisi 3. sayıda neşredildi.

21 NISAN 1993

149. Molla 'Irākī

— *Risâla dar-tasavvuf va ahlāk*

Baş : حمدی که از نهایت شایستگی منزله از شایسته ...

Tire, Necib Paşa nr. 333/19 (yap. 495 b-505 a, ist. 1062 h.).

4545 'IRĀQĪ, [Fakhr al-Dīn]. Fakhrūddin 'Irāqī: *Divine Flashes*. Preface by Seyyed Hossein Nasr. Tr. Chittick, W.C. Tr. Wilson, P.L. London: SPCK; Ramsey (USA): Paulist, 1982. 178pp.

829. 'ERĀQĪ, Faxr al-Din. *Lama'at be enzemâm-e se šarh az šoruḥ-e qarn-e haštom*, éd. Md X'âjavi. Téhéran, Mowlâ, 1363/1985, 149 p. [Eclats de lumière, avec trois commentaires du 8^e/14^e s.]

Ce texte magistral en prose entrecoupée de poésie, du grand poète mystique Faxr al-Din 'Erâqī (m. 688/1289), fut rédigé en 28 *lam'e* (éclat de lumière), division inspirée des 28 (ou 27, selon les mss.) chapitres des *Fuṣūṣ al-ḥikam* d'Ibn 'Arabi; 'Erâqī est dit avoir suivi la lecture de ce dernier texte sous la direction du célèbre Šadr al-Din Qonavi; il connut également la direction spirituelle de Jalâl al-Din Mowlavi Balxi en Asie mineure et celle de Bahâ' al-Din Multânî en Inde. Le texte était déjà édité par Sa'îd Nafisi à l'aide de trois manuscrits (v. *Kolliyyât-e...* 'Erâqī, éd. S. Nafisi, Téhéran, 1336/1958, p. 371-405). Cette nouvelle édition est basée sur trois manuscrits supplémentaires, ainsi que sur la recension faite par 'Abd al-Rahmân Jâmi dans ses *Aš'at al-Lama'at*, superbe commentaire de notre texte datant de 886/1481 (éd. litho. Téhéran, utilisée par l'éditeur; nouvelle éd. critique par H. Rabbâni, Téhéran, 1352/1973); en outre, trois commentaires datant, selon l'éditeur, du 8^e/14^e s. sont édités sous forme de notes en bas des pages : deux commentaires anonymes, *Fotuhât dar šarh-e Lama'at* et *Naš'at al-'Ešq*, et un troisième fait par un certain Sakkâki, intitulé tout simplement *Šarh*. Six autres commentaires avaient déjà été signalés par S. Nafisi dans sa savante introduction (*Kolliyyât...*, pp. 3-45), introduction qui fournit l'essentiel de celle de Md X'âjavi.

Les *Lama'at* sont écrits, selon 'Erâqī lui-même, dans le style des *Sawâniḥ* d'Aḥmad Qâzzâlî (m. 520/1126), et constituent, comme ce dernier texte ou la *Resâle-ye 'Ešq* de Seyf al-Din Bâxarzi (m. 659/1260), une "monographie" sur l'Amour mystique, qui tente en même temps de dégager le sens profond des *Fuṣūṣ* d'Ibn 'Arabi, d'où l'extrême richesse et densité du texte. C'est une pièce maîtresse à verser au dossier de l'étude de ce que l'on pourrait appeler "les écrits d'Amour mystique" (*'Ešq Nâme*). Signalons enfin que vu le nombre de mss. utilisés, cette nouvelle édition critique de Md X'âjavi est nettement supérieure à l'ancienne édition de S. Nafisi.

M. A. A. M.

ERĀQĪ :

ARBERRY, A.J. : *Iraqi, Mystic Poet of Iran. Proceedings of Iran Soc. vol, 2. 1939, pl. 3.*

BALDICK, J. : *The authenticity of 'Iraqi's 'Ushshaq-nama. Studia Iranica 2 (1973), pp.67-78.*

IRAQI, Fakhr al-Din. *Fakhrūddin 'Iraqi: Divine Flashes*. Preface by Seyyed Hossein Nasr. Tr. Chittick, W.C. Tr. Wilson, P.L. London; SPCK; Ramsey (USA): Paulist, 1982. 178 pp.

NAVAÏ, Abdol Hossein : *La vie et les oeuvres d'Iraqi, poète mystique persan. Navai, Abdol Hossein. Dactylographiée, 147 ff. (Thèse. Lettres. Paris. 1956.)*

Kitapsinasi-yi Iran, c. VII (1366.H.F)
Tahran, s. 878.

تصنيف ودراسة

الدكتور

محمد أبو المجد طلح البسيوني

ببليوجرافيا الرسائل العلمية

في الجامعات المصرية منذ إنشائها

حتى نهاية القرن العشرين

الادب العربي والبلغة والنقد الأدبي

١٣٦- الشاعر فخر الدين العراقي (*) / زكي عبد الحسين الطرف / م ١٩٦٦
ج. الإسكندرية، ك. الأداب []. طه السيد ندا] *Iraki Fahrreddin*

(*) شاعر فارسی؛ غیر آنہ یوجد بالرسالة جانب لدراسة شعره العربي، فأثرت ذكرها من ثم.

٢	ماجستير	د	دكتوراه	ج	جامعة
١	إشراف	س	ملاوية	ت	مصرية

— القاهرة ت

الطبعة الأولى

١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١ م

JULIAN BALDICK

THE AUTHENTICITY OF 'IRĀQĪ'S 'USHSHĀQ-NĀMA

In his article *Philologica VII. Arabische und persische Schriften über die profane und die mystische Liebe*¹ Hellmut Ritter drew attention to a long poem in *mathnavi* verses, interspersed with *ghazals*, and apparently composed by the Persian mystic and poet Fakhr al-Dīn Ibrāhīm 'Irāqī of Hamadān (d. 688/1289): its title is given as either '*Ushshāqnāma* ('Book of Lovers') or *Dah Fasl* ('Ten Chapters'). This poem was later edited from fifteenth-century manuscripts in Istanbul and translated by Arberry, who presented it as the earliest known treatise in Persian verse on the theme of mystical love². Another edition was prepared by Nafisi³, using two undated manuscripts in Lahore, a very defective one attributed to the early fourteenth century⁴ and one attributed to the early fifteenth⁵. Nafisi⁶ claimed that in this work 'Irāqī had founded the genre of the *Dah-nāma* in Persian literature, on the origins of which Dr. T. Gandjei has recently contributed an article⁷. Rypka agreed with Ritter in considering the poem to be 'charming' and observed that it was clearly taken as a model by 'Ubaid-i Zākānī (d. 772/1371)⁸. In the present article it is intended to contest the attribution of this work to 'Irāqī.

The main external evidence against the '*Ushshāq-nāma*'s authenticity has been recorded, without its relevance to the poem being noticed, by Blochet,

1. *Der Islam* XXI (1933), p. 99.
2. *The Song of Lovers*, Calcutta 1939, p. x.
3. *Kulliyāt-i 'Irāqī*, 3rd. ed., Tehran 1338/1959, pp. 327-374.
4. By S. M. Abdullah, *Catalogue of the Persian, Urdu and Arabic Manuscripts in the Panjab University Library*, vol. 1, part. 2, Lahore 1948, p. 458.
5. By Nafisi, *Kulliyāt* p. 35.
6. *Ibid.*, p. 31.
7. *Der Islam* XLVII (1971), pp. 59-66.
8. *History of Iranian Literature*, Dordrecht 1968, pp. 255 and 272.

JULIAN BALDICK

IRAKI
THE AUTHENTICITY
OF 'IRĀQĪ'S 'USHSHĀQ-NĀMA

fahreddin ibrahim iraki
Hamadan 1280

1280

In his article *Philologica VII. Arabische und persische Schriften über die profane und die mystische Liebe*¹ Hellmut Ritter drew attention to a long poem in *mathnavī* verses, interspersed with *ghazals*, and apparently composed by the Persian mystic and poet Fakhr al-Dīn Ibrāhīm 'Irāqī of Hamadān (d. 688/1289): its title is given as either *'Ushshāqnāma* ('Book of Lovers') or *Dah Fasl* ('Ten Chapters'). This poem was later edited from fifteenth-century manuscripts in Istanbul and translated by Arberry, who presented it as the earliest known treatise in Persian verse on the theme of mystical love². Another edition was prepared by Nafisi³, using two undated manuscripts in Lahore, a very defective one attributed to the early fourteenth century⁴ and one attributed to the early fifteenth⁵. Nafisi⁶ claimed that in this work 'Irāqī had founded the genre of the *Dah-nāma* in Persian literature, on the origins of which Dr. T. Gandjei has recently contributed an article⁷. Rypka agreed with Ritter in considering the poem to be 'charming' and observed that it was clearly taken as a model by 'Ubaid-i Zākānī (d. 772/1371)⁸. In the present article it is intended to contest the attribution of this work to 'Irāqī.

The main external evidence against the *'Ushshāq-nāma's* authenticity has been recorded, without its relevance to the poem being noticed, by Blochet,

1. *Der Islam* XXI (1933), p. 99.
2. *The Song of Lovers*, Calcutta 1939, p. x.
3. *Kulliyāt-i 'Irāqī*, 3rd. ed., Tehran 1338/1959, pp. 327-374.
4. By S. M. Abdullah, *Catalogue of the Persian, Urdu and Arabic Manuscripts in the Panjab University Library*, vol. 1, part. 2, Lahore 1948, p. 458.
5. By Nafisi, *Kulliyāt* p. 35.
6. *Ibid.*, p. 31.
7. *Der Islam* XLVII (1971), pp. 59-66.
8. *History of Iranian Literature*, Dordrecht 1968, pp. 255 and 272.

مصرمی

لمحات فی شرح اللمعات (lo.ma.hāt.fi.šar.hol.la.ma.āt)،

رساله‌ای به فارسی در گزارش و شرح لمعات فخرالدین عراقی، نوشته یارعلی شیرازی (- ۸۱۲ ق). مؤلف این رساله را در سال پایانی زندگی‌اش به خواهش دوستانش در یک مقدمه و چهار لمحه به این ترتیب نوشته است: لمحه یکم در موضوع و مبادی این علم، لمحه دوم در وجود حق سبحانه و لوازم آن، لمحه سوم در غیبت، هویت، احدیت و واحدیت و لمحه چهارم در مراتب الاهی و کونیه و نزول تجلی الاهی در این مراتب. پس از مقدمه شرح آن آغاز شده و عبارت‌های متن پس از «قوله» بند به بند آمده و توضیح داده شده است. این رساله عنوان لمحه، تنبیه و سؤال و جواب نیز دارد. شارح می‌گوید که صوفیان چندان به این کتاب ننگریستند و به حل آن نپرداختند و چون آن را دشوار دیدند شرحی بر آن ننوشتند و من به درخواست دوستان این شرح را آغاز کردم و چنین نامیدم. در این شرح از شیخ اکبر محیی‌الدین محمد عربی، شیخ کبیر صدرالدین محمد قونوی، شیخ مطلق اوحدالدین کرمانی، خواجه فریدالدین عطار، مولانا جلال‌الدین محمد، حکیم مجددودین آدم سنایی غزنوی، عین‌القضات همدانی، شیخ علاءالدوله سمنانی، ابن سینا، حسین منصور حلاج و ابن‌فارض یاد شده است. یارعلی در شرح این رساله از فتوحات و فصوص ابن‌عربی و مفتاح صدرالدین قونوی بهره برده است. آغاز و انجام آن چنین است: آغاز: «سزای ثنای بی‌حد و لایق سپاس بی‌قیاس وجود مقدس خدایی را است که به اعتبار هویت...» انجام: «تا ز خود بشنود نه از من و تو - لیس فی‌الدار غیرنا دیار.» نسخه‌هایی دست‌نویس از این رساله به ترتیب به شماره‌های ۳۳۰۳، ۱۹۵۶، ۱۶۴۷/۴ و ۱۴۲ (نمایشگاه) در کتابخانه مجلس ملی، دارالکتب قاهره، کتابخانه ماگنسیا و موزه مولانا نگه‌داری می‌شود. میکروفیلمی از لمحات در مجموعه‌ای به شماره ف ۲۲۶۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. این رساله در هامش اشعة اللمعات عبدالرحمان جامی چاپ شده است.

منابع: پارسی‌نویسان آسیای صغیر، ۶۶؛ عثمانلی مؤلفنری، ۱۹۲/۱؛

فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ۹۵۳/۱۰؛ فهرس‌المخطوطات

الفارسیه، ۹۷/۲؛ فهرست میکروفیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه

تاریخ آل عثمان تألیف کرده و اشعار بسیاری به فارسی سروده است. از آثارش: شهنامه سلیم دوم به فارسی در شرح رویدادهای دوره پادشاهی سلیم دوم عثمانی که نسخه‌ای از آن به شماره A.3595 در کتابخانه موزه توپقاپوسرای نگه‌داری می‌شود. نسخه ناقصی نیز به شماره ۲۷۲۹/۱ و با نام شهنامه سلیم دوم در کتابخانه ماگنسیا نگه‌داری می‌شود که احتمال جزئی از همین کتاب است؛ شهنشاه‌نامه مراد سوم/شهنشاه‌نامه/شماثل‌نامه، جلد دوم، که در بردارنده رویدادهای دوره فرمانروایی مراد سوم عثمانی از ۹۹۰ تا ۹۹۶ ق است. همچنین در این اثر از مراسم هفت‌روزه ختنه‌سوران شاهزاده محمد، پسر مراد سوم عثمانی، که در تاریخ عثمانی از باشکوه‌ترین مراسم در نوع خود بوده، یاد رفته است. جلد یکم شهنشاه‌نامه مراد سوم را که در بردارنده رویدادهای سال‌های ۹۸۲ تا ۹۹۰ ق است علاءالدین منصور شیرازی، شاهنامه‌چی سلیم دوم عثمانی، سروده است. بیتی از آغاز آن چنین است: «به نام خدای کریم جواد - برآرنده کام اهل مراد.» نسخه‌هایی دست‌نویس از این اثر به شماره B.200 در کتابخانه موزه توپقاپوسرای و به شماره FY.1404 در کتابخانه دانشگاه استانبول نگه‌داری می‌شود؛ قیافة الانسانیه فی شمایل العثمانيه که در تاریخ آل عثمان و شرح رویدادها و زندگی پادشاهان عثمانی است؛ هنرنامه؛ زبدة الطومار؛ نسب‌نامه همایون؛ ترجمه مهر و مشتری عصار تبریزی به ترکی که تنها محمدطاهر یورسوی از آن یاد کرده و نسخه‌ای از آن در دست نیست؛ ترجمه لمعة الاثوار به ترکی و به شیوه مخزن‌الاسرار نظامی؛ سلف‌نامه؛ خلف‌نامه؛ معاصرنامه؛ مغول‌نامه؛ ظفرنامه.

منابع: پارسی‌نویسان آسیای صغیر، ۵۶؛ زبان و ادب فارسی در قلمرو

عثمانی، ۱۴۶-۱۴۷؛ عثمانلی مؤلفنری، ۱۳۵/۳-۱۳۶؛ فهرست

نسخه‌های خطی فارسی، ۲۹۷۵/۴؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی

کتابخانه دانشگاه استانبول، ۶۱۰؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی

کتابخانه مغنسیا، ۲۱۲؛ نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادب

فارسی در ترکیه، ۳۴۸؛ استوان نیتزایی، مترجمان ابوالفضل

سیمکش، سیدجواد رسولی، «نظری به یک حماسه تاریخی

فارسی»، کیهان فرهنگی، سال چهاردهم، شماره ۱۲۷، آبان و آذر

۱۳۷۶ ش، صص ۳۶-۳۸؛

Topkapı sarayı müzesi, 12/273, 275; Türk dili ve edebiyatı

ansiklopedisi, 6/96; Edebiyatı ansiklopedisi, 4/1035.

‘IRĀKĪ, FAḤR AL-DĪN IBRĀHĪM ‘IRĀKĪ HAMA-DĀNĪ, eminent Iranian poet and mystic. In spite of its lack of precision, the best source of information on this author, who gives very few autobiographical details in his own works, is an anonymous *mukaddima* (introduction), composed in the manner and style of ‘Irāki's own period (the end of the 7th/13th century) or the beginning of the following period. Dīāmī (*Nafahāt al-uns*) and Mir Khwānd (*Habīb al-siyar*) have obtained their information on ‘Irāki from this introduction. According to Ḥamd Allāh Mustawfī Kazwīnī, who wrote his *Tārīkh-i guzida* forty years after the death of ‘Irāki (and there is no reason to suspect his witness), ‘Irāki's father's name was Buzurgmīr b. ‘Abd al-Ghaffār Dīwālīkī Hamadānī, and his son was born in the village of Kumdjan, near Hamadān. In his introduction (*dībāche*) to his edition of the *Kullīyyāt*, Sa‘īd Nafīsī inserts the biographies given by other authors (p. vi ff.); he reproduces the errors of Dawlatshāh, and states that there is no foundation for what the latter says about ‘Irāki's attachment to a young boy and the punishment imposed by Shāhrazūrī, who is said to have sent him to Bahā’ al-Dīn Zakariyyā in India, to mend his ways. In short, the later writers added many debatable details to ‘Irāki's biography.

According to the *mukaddima*, he was a precocious youth. One day when he was uttering a commentary on the Qur‘ān, some *kalandars* (wandering dervishes) came to listen to him; they persuaded him (in 627/1230) to give up teaching and to follow them to ‘Irāk-i ‘Adjāmī, and then to India; at Multān, they visited the scholar Bahā’ al-Dīn Zakariyyā [q.v.], who, recognizing ‘Irāki's ability, wished him to remain with him, but when ‘Irāki realized this, he departed with his companions to Delhi and then to Sūmanāt, where they were separated by a storm; after wandering for some time, ‘Irāki and one of the *kalandars* met again by chance in Delhi; then ‘Irāki, having decided to join Bahā’ al-Dīn Zakariyyā, returned alone to Multān and sat at the feet of the master, later becoming his son-in-law; soon afterwards, he had a son named Kabīr al-Dīn, and he remained for twenty-five years with his master, about whom he wrote several *ḥaṣīdas*. On his death, he succeeded him, but, driven out by the jealousy of some of his colleagues, he departed for the Hīdīāz, whither some of them followed him. He was welcomed by the sultan of ‘Umān, who attempted in vain to detain him, and the travellers completed the Pilgrimage. Next, ‘Irāki travelled in Asia Minor and put himself under the authority of Ṣadr al-Dīn of Ḳonya; after hearing his commentaries on the *Fuṣūṣ* and the *Futūḥāt al-Makkiyya* of Ibn al-‘Arabī [q.v.], he gained the master's confidence. It was at this time that he wrote his *Lama‘āt*; he submitted them to Ṣadr al-Dīn, who praised them highly (they must therefore have been completed before 673/1274, when the latter died). Many pupils attached themselves to ‘Irāki; he gained the favour of the *amīr* Mu‘īn al-Dīn Sulaymān Parvāna [q.v.], who offered him a monastery at Dūkāt (Tokāt). A series of anecdotes in the *mukaddima* concern ‘Irāki's stay in this town, and in particular his meeting with the minister (Shāms al-Dīn) Dīwaynī [q.v.] (*Muk.*, 14-6), who is said to have come there in the company of a brother of the Īl-khān Abākā, in order to check on the actions of Mu‘īn al-Dīn (before 676/1277, when the latter was probably secretly in contact with Baybars, the sultan of Egypt—which led to his being executed in the same year). Soon after this meeting, it seems that the enemies of Mu‘īn al-Dīn and of his protégé ‘Irāki

turned Shāms al-Dīn against them, though the latter, recognizing ‘Irāki's worth, assisted his hasty departure to Sinope. Thence ‘Irāki went to Egypt, where he gained the favour of the sultan; this is attested by several anecdotes. After this he planned to go to Damascus: the sultan had messages sent by carrier pigeons at the various stages of the journey and caused a solemn reception to be prepared for him; in the sixth month of his stay in Damascus, ‘Irāki was joined by his son, who had spent several years at Multān with Bahā’ al-Dīn Zakariyyā, but soon afterwards he became ill; after five days spent in a state of somnolence, he summoned his son and his companions, bade them farewell, chanted a verse of the Qur‘ān (LXXX, 34-5), recited a *rubā‘ī* (*Mukaddima*, 19) and died while calling on God. His funeral was solemn and moving and he was buried on the Šāliḥiyya hill on 8 Dhu ‘l-Ḳa‘da 688/23 November 1289; he was 78 years of age.

The author of the *Mukaddima* quotes where appropriate the first lines of several *ghazals* written by ‘Irāki on various occasions in his life. In his introduction (*dībādja*, p. xxxviii), Sa‘īd Nafīsī says of his genius as a poet: "I know no poet in the Persian language who is as free, as daring and as lofty in the expression of love (mystic or profane) as ‘Irāki; this ardour, this passion, are shown clearly and to the highest degree in his *ghazals*; in addition, he shows his skill in the *tardī‘band* and the *rubā‘ī*, though less so in the *ḥaṣīda* and the *mathnawī*; in short, he excels mainly in his *ghazals*, several of which have been developed into *mukhammas* by other poets". In spite of their merits, his two other works (*‘Ushshak-nāma*, *Lama‘āt*) appear of secondary importance compared with his *Diwān*, consisting mainly of *ghazals*. The *‘Ushshak-nāma* (Book of beings enamoured [of God]) or *dih-nāma* (Book of the ten sections), in verse, dedicated to Shāms al-Dīn Dīwaynī, is made up of a *mathnawī* followed by *ghazals* on mystic subjects; it was imitated by several poets (the *Dih-namā* of Awḥadi, d. 705/1305, and of ‘Imād al-Dīn Faḳīh, d. 773/1371-2; the *Rawḍat al-muḥibbīn* of Ibn ‘Imād Shīrāzī, d. 794/1391-2). The *Kitāb al-Lama‘āt* (Book of beams of light) in 28 chapters—prose and verse mixed—is considered to have been written, at least in part, under the influence of the works of Ibn al-‘Arabī; however, at the beginning of the book (*Kullīyyāt*, 328, l. 1) we read; "Now therefore these few words, setting out the degrees of love, have been dictated according to the mood of the moment, in the manner of the *Sawānīh* [of al-Ghazālī [q.v.] Aḥmad], so that for whoever loves God they may be the mirror showing him the One Whom he loves, although the rank of love is too sublime for one to be able to approach by means of reason, understanding and eloquence, the royal Court of His Majesty . . .". E. G. Browne (iii, 132-9) has translated the introduction giving the content of the work (cf. text: *Kullīyyāt*, 327-9); he summarizes as follows (p. 124) his judgement on ‘Irāki's character (of which S. Nafīsī gives some typical illustrations in his introduction to the *Kullīyyāt*, p. xviii ff.): "He is the typical qalandar, heedless of his reputation, and seeing in every beautiful face or object a reflection, as in a mirror, of the Eternal Beauty" (cf. the end of the dialogue of Socrates and Diotimus: Plato, *Symposium*, Greek text, 209-12).

Bibliography: *Kullīyyāt*, complete works, ed. Sa‘īd Nafīsī, with important introduction, Tehran 1335/1957; *Lama‘āt*, ed. H. Ritter (Bibl. Islamica, XVI)—Translations: *The Song of the Lovers*

09 EYL0L 1960

traditionnelle de l'Azerbayjān et la science des muqāms, Baden-Baden, 1988. Idem, *Le répertoire-modèle de la musique persane: Radif de târ et de setâr de Mirzâ 'Abdollah*, Tehran, 1370 Š./1991. H. Farhat, *The Dastgâh Concept in Persian Music*, Cambridge, 1989. Foršât-al-Dawla Širāzī, *Bohūr al-alhān*, ed. M.-Q. Šāleḥ Rāmsarī, Tehran, 1367 Š./1988. 'Abd-al-Raḥmān b. Sayf-al-Dīn Ġaznavī, "Resāla dar bayān-e davāzdah maqām," in 'A. A. Rajabov, *Nağma-ye nāgān*, Dushanbe, 1988, pp. 78-83. 'Onsor-al-Ma'ālī Kaykāvūs b. Eskandar, *Qābūs-nāma*, ed. Ġ. Ġ. Yūsufī, Tehran, 1345 Š./1966. 'Abdu'l-Qāder Marāḡī, *Jāme' al-alhān*, ed. T. Bīneš, Tehran, 1366 Š./1987. Ma'refat-e 'elm-e mūsīqī, ed. Y. Doka', Tehran, 1350 Š./1971. M.-T. Mas'ūdīya, *Radif-e āvāzī-e mūsīqī-e sonnatī-e Īrān be rewāyat-e Maḥmūd Karīmī (Radifvocal de la musique iranienne)*, Tehran, 1357 Š./1978. Ebn Maḥmūd Nīšābūrī, *Resāla dar mūsīqī*, ed. M.-T. Dānešpažūh, in *Haftād sālagī-e Farroḡ*, Tehran, 1344 Š./1965, pp. 99-103. Qotbal-Dīn Maḥmūd Širāzī, *Dorrat al-tāj*, Tehran, 1324 Š./1945. Šafi-al-Dīn Ormavī, "Resāla al-Šarafiya," tr. R. d'Erlanger in *La musique arabe* III, Paris, 1938. Idem, *Bahjat al-rūḥ wa qūt al-arwāḥ*, ed. Rabino de Borgomale, Teheran, 1346 Š./1967. Šarḥ-e *Mobārakšāh bar Adwār*, tr. R. d'Erlanger as *La Musique Arabe* III, Paris, 1938. A. Shiloah, "The Arabic Concept of Mode," *Ethnomusicology*, 34/1, 1981. Ḥājī Sayyed Aḥmad Qarābāḡī, *Wozūḥ al-arḡām*, Baku, 1913.

(JEAN DURING)

'ERĀQ-E 'AJAM(Ī) "Persian Iraq," the name given in medieval times to the largely mountainous, western portion of modern Persia. The geographers (Eštakrī, p. 195; Ebn Ḥawqal, pp. 357-58, tr. Kramers and Wiet, pp. 349-50; Moqaddasī, pp. 384-86; *Ḥodūd al-'ālam*, tr. Minorsky, p. 131; Yāqūt, *Boldān* [Beirut], II, p. 99) describe it as bounded by Fārs and Kūzestān on the south, Mesopotamia (i.e., Iraq proper) on the west, Azerbaijan, Deylam and Qūmes on the north and the Kūh-e Kargas and Great Desert on the east. It thus corresponds to the ancient Persian Media (Ar. Māda), at the outset of Islam comprising Māh al-Kūfa, based on Dīnavar, and Māh al-Bašra, based on Nehāvand.

Because of the mountainous configuration of the province (which included much of modern Kurdistan and Luristan), the early Islamic geographers called it Jebāl "the mountains." But this name fell out of use during Saljuq times (5th-6th/11th-12th centuries), and the misnomer 'Erāq was applied to it with the qualification 'Ajām(ī) "Persian." Yāqūt (loc. cit.) explains the process whereby this had happened: The Saljuq sultans came to rule over both Iraq proper and the region of Jebāl, hence were styled *solṭān al-'Erāq*, but since their capital came normally to be at Hamadān in Jebāl, the latter province became known as 'Erāq. The two regions came in fact to be distinguished as 'Erāq-e 'Arab and 'Erāq-e 'Ajām. Certainly, the name Jebāl became

obsolete after the Mongol invasions of the 7th/13th century. In the next century, Mostawfī (*Nozhat al-qolūb*, pp. 47 ff., tr. Le Strange, pp. 54 ff.) knew it only as 'Erāq-e 'Ajāmī, and described the greater part of the region as *sardsīr*, having cold and snowy winters, and as falling within the fourth clime. The name 'Erāq persisted in use over the centuries, and in recent times has still been applied to the district south-west of Tehran, one of its notable towns being Arāk (q.v.).

The province was directly controlled by the caliphs till the early 4th/10th century, but with a tendency for local lines of governors, e.g., the Dolafids of Karaj, to appear in the 3rd/9th century, a process encouraged by the disturbed state of Jebāl at that time, including revolts of the Korramdīnān or Korramīya. At this time, the great cities of Jebāl were Qermīsīn, the later Kermānšāh, Hamadān, Qom, Isfahan, and Ray, with Ray normally being the provincial governor's capital, given the great strategic importance of this city for control of the Baghdad-Khorasan highway. The historical and geographical sources usually give the revenues from the four "quarters" of the province separately rather than en bloc. Thus in the list of annual tax receipts in the time of Hārūn al-Rašīd (170-93/786-809) preserved in Jahšīārī (pp. 281-88; cf. Levy, pp. 318-19), Ray yielded 12 million dirhams, Isfahan 11 million, Hamadān 11,800,000 and the two māhs of Kūfa and Bašra 20,700,000, all plus small amounts of taxation in kind.

In the later 4th/10th and earlier 5th/11th centuries, Ray was the flourishing capital of an amirate of the Buyids (q.v.), with Hamadān at times the seat of a subordinate line, and then the more southerly parts came under the control of the Deylamī Kakuyids. The first Saljuq, Toḡrīl Beg, made Isfahan briefly his capital in 442/1050; Isfahan remained the capital of the Great Saljuqs until it was replaced by Hamadān, especially in the summer months. In the year 735/1335 under the later Il-khanids, Persian Iraq comprised nine *tūmāns*, i.e., districts originally meant to support 10,000 men each for the Mongol armies, containing forty cities, and yielded 350,000 dinars in annual taxation (Mostawfī, *Nozhat al-qolūb*, tr. Le Strange, p. 54), a steep decline from the tax yield of 'Abbasid times (see above) but explicable by the devastations and economic decline of the Mongol period.

Bibliography (for cited works not given in detail, see "Short References"): W. Barthold, *An Historical Geography of Iran*, Princeton, 1984, pp. 121ff. A. Houtum-Schindler, *Eastern Persian Irak*, London, 1896. Abū 'Abd-Allāh Moḥammad Jahšīārī, *Ketāb al-wozarā' wa'l-kottāb*, ed. M. Saqqā et al., Cairo, 1401/1980. R. Levi, *The Social Structure of Islam*, Cambridge, 1957. Le Strange, *Lands*, pp. 185ff. Schwarz, *Iran*, pp. 445ff.

(C. EDMUND BOSWORTH)

'ERĀQI, FAḤR-al-DĪN EBRĀHĪM b. Bozorgmehr Javāleqī Hamadānī (b. Komjān, a village near Hamadān,

MADDE YETKİLİ KURDİSTAN
 SONRASI İZMİR İLİNE
 03 ARALIK 1981

Fahreddīn-i Irāqī (FED)

23 TEMMUZ 1992

12. Faxruddīn i 'Irāqī

F. Ibrāhīm b. Buzurgmīhr i 'I., aus Hamadān. Gestorben 688/1289.

Literatur: Nafīsī, S.: Einleitung zu seiner Ausgabe der *Kullīyāt*, Teheran 1338šq.; Arberry, A. J.: 'Iraqi, mystic poet of Iran, „Proceedings of the Iran Society” 2, 32-45; Ahuja, Y. D.: Early years of Shaykh 'Iraqi's life, „IC” 30/1956, 95-105; Shaykh 'Iraqi's travels and his stay in Rum, „IC” 33/1959, 260-77; Ateş, FME 160f., wo noch weitere Literatur angegeben ist.

Werke (herausgegeben von S. Nafīsī, s.o.):

12.1. *Dīwān*. Besteht aus Qaṣā'id, Muqāṭṭa'āt, Tarkībāt, Tarcī'āt, einem Muṭallaṭ, Ġazalīyāt und Rubā'iyāt, resp. Tauḥīd, Na't, geistlichen Lobgedichten, Elegien, Gedichten auf die Ka'ba, paränetischen, *Ḥasb i ḥāl*-, erotischen und ṣūfischen Gedichten. Darunter befinden sich ein paar arabische und arabisch-persische (*mulamma'ūt*).

12.1.1. *Prosavorrede zum Dīwān*, mit Biographie des Dichters (ed. Nafīsī 42-65). Anfang:

حمد بی حد ومدح بی عد حضرت احدی وجناب صمدی را

12.2. 'Uṣṣāq-nāma (oder *Dah faṣl*). Ed. und Übers. Arberry, A. J.: *The Song of Lovers*, Oxford 1939. Vgl. ferner Baldick, J.: The authenticity of 'Iraqī's 'Ushshāq-nāma, „Studia Iranica” 2 (1973), 67-78. Anfang:

Schluß:

هر که جان دارد و روان دارد
ختم گشت این سخن برین گفتار

Oriens, c. 29-30, s. 141-143, 1986 (Leiden)

کلمات دیوان
شیخ فخرالدین ابراهیم همدانی
متخلص بعربی

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
No:	91351
No:	

شامل:

قصاید، غزلیات، ترجیعات، ترکیبات،
مقطعات، مثلثات، عشاق نامه یا ده نامه،
رباعیات، لغات و اصطلاحات عرفانی عراقی

حواشی و تعلیقات از: م. درویش
1366 H.S.



طبقه بندی کنیم .

زنك صوت از ترکیب صوت اصلی باصوت‌های فرعی حاصل می‌شود. شماره ارتعاشات فرعی و شدت هر يك از آنها صفت خاص هر صوتی است . دو صوت که از جهت زیروبمی و شدت باهم یکسان باشند از حیث زنك متمایز می‌شوند . اگر نمۀ واحدی را در دو آلت موسیقی متفاوت، مثلاً پیانو و تار ، اجرا کنیم تنها به سبب زنك خاص هر يك از این آلتها، یعنی به سبب ارتعاشات فرعی خاص هر يك از آنها ، شنونده می‌تواند دریابد که کدام نمۀ از پیانو و کدام از تار برآمده است .

این سه امر، (یعنی زیروبمی، شدت، زنك) صفتها یا کیفیتهای اصلی صوت شمرده می‌شوند .

اما امتداد زمانی است که لرزه‌های صوت دوام می‌یابد . دو صوت که در همۀ صفتها یا کیفیتها یکسان باشند ممکن است از جهت امتداد متفاوت شوند . امتداد کمیت صوت است .

حاصل این بحث آنکه صوت اگر چه ساده و مفرد می‌نماید امری مرکب است ؛ و گوش ماهمه اجزاء یا خصوصیات آن را یکجا و به صورت واحد ادراک می‌کند .

صوت‌های گفتار نیز دارای همین خصوصیات یا صفات صوت گفتار چهارگانه‌اند . بعضی از آنها صوت مطلق شمره می‌شوند، بعضی تنها «خشه» هستند و بعضی دیگر ترکیبی از صوت و خشه شمرده می‌شوند . اما پیش از آنکه در این باب به تفصیل بپردازیم باید به دو جنبه مختلف صوت‌های گفتار اشاره کنیم : یکی جنبه پدید آمدن یا حدوث و دیگری جنبه یافتن یا ادراک . «انام»

پ . ن خانلری

منابع این بحث :

- Fouché , P . , Phonétique Historique du Français . Paris . 1952 .
- Sanssurre , F . , Cours de Linguistique Generale . Paris 1949 .
- Gleason , H . A . , An Introduction to Descriptive Linguistics . IV . y . 1956 .
- Malmberg , B . , La Phonétique . Paris , 1960 .

سلیهن ، 4 (1363 هـ) تهران

SAOİ
- HAFIZ
- IRARI

هراتی . سعدی . حافظ

مقایسه اشعاری که سخنوران بزرگ بسه يك روال و به استقبال (یعنی پیروی) از یکدیگر سروده‌اند هم سوابق ذهنی و منابع هنر ایشان را به ما می‌شناساند و هم از روی این مقایسه می‌توان به خصوصیات ذوقی و هنری هر يك پی برد . پیش از این در مجله سخن نمونه‌های متعددی از این گونه اشعار درج کرده‌ایم و اینک نمونه شیوای دیگر :

فخرالدین عراقی - متوفی سال ۶۸۸ ق . ه .

به يك گره که دو چشمت برابروان انداخت
هزار فتنه و آشوب در جهان انداخت
فریب زلف تو با عاشقان چه شعبده ساخت
که هر که جان ودلی داشت در میان انداخت
دل ، که در سر زلف تو شد ، توان گه گه
ز آفتاب رخت سایه‌ای بر آن انداخت
رخ تو در خور چشم من است ، لیک چه شد
که پرده از رخ تو بر نمی‌توان انداخت
حلاوت لب تو ، دوش یاد می‌کردم
بسا شکر که در آن لحظه در دهان انداخت
من از وصال تو دل بر گرفته بودم ، لیک
زبان لطف توام باز در گمان انداخت
قبول تو دگران را به صدر وصل نشاند

معجم المخطوطات الموجودة في مكتبات إستانبول و أناطولي

- 9- عشاق نامه = عشق نامه = ده فصل (منظوم) (ف)
آياصوفيا مجموعة رقم 19/4792 ورقة 638-649
، 816 هـ ؛ نورعثمانيه رقم 2/4195 ورقة 92-
122 في الهامش 837 هـ جامعة إستانبول رقم
3/517 ورقة 203-237 ، 862 هـ رقم 538
ورقة 527-529 ، 826 هـ رقم 11/593 ورقة
268-303 ورقة 890 هـ رقم 10/472 ورقة
57-67 ، 897 هـ نشر في طهران 1362 ؛
10 - غزليات فخر الدين العراقي (منظوم) (ف)
حالت أفندي ملحق رقم 6/238 ؛ نورعثمانيه رقم
37/4904 ورقة 274-275 ، 940 هـ
11 - لمعات العراقي = اللمعات (منظوم) (ف)
قيصري راشد أفندي 1156 ورقة 32 ؛ وحيد باشا رقم
370 ورقة 44+11 ؛ آياصوفيا رقم 14/4792 ورقة
638-649 ، 816 هـ رقم 1918 ، 1919 ،
2031 ؛ آياصوفيا رقم 1/2031 ؛ شهيد علي 1257
، 1258 ، 1259 ، 2703 ؛ لالا إسماعيل رقم
197-198 ؛ أسعد أفندي رقم 22/ 3665 ؛
آياصوفيا رقم 5/4822 ؛ رقم 1/2032 ؛ رقم
7/2051 ؛ رقم 8/2051 ؛ نورعثمانيه 4/4195
ورقة 135-157 في الهامش 837 هـ رقم 4/3784
ورقة 135-157 في الهامش ؛ نشر في طهران 1363 ؛
12 - منتخب ديوان العراقي - في الأدب (ف)
آياصوفيا مجموعة رقم 20/3945 ؛
...

Fahreddin el-İraqlî

0056 - إبراهيم بن شهریار بن عبد الغفار ، فخر

الدين العراقي الهمداني ثم القونوي الصوفي الشاعر

المعروف بالعراقي المتوفى بدمشق سنة 1289/688

(أنظر : كشف الظنون 1563 ، 1564 ؛ هدية العارفين

12/1 ؛ تذكرة دولتشاه ص 215-216 ؛ كحالة

معجم المؤلفين 38/1)

من تصانيفه :

1 - إصطلاحات الصوفية - في التصوف (ف)

باليكسر رقم 1/90 ورقة ورقة 9 ؛ آماسيه رقم

3/1053 ورقة 33-40 ؛ نشرت في طهران 1363 ؛

2 - ترجيعات - في الأدب (منظوم) (ف)

جامعة إستانبول رقم 538/ ورقة 594-608 ؛ رقم

472 ورقة 6-13 ، 897 هـ

3 - ترجمة لمعات العراقي - في التصوف (ت)

إزمير ملي رقم 1/1016 ورقة 22 ؛ مراديه رقم

3/1569 ورقة 87-112 ، لم يعلم المترجم ؛

4 - ديوان فخر الدين العراقي (ف)

نورعثمانيه رقم 4195 ورقة 92 في الهامش 837 هـ

نافذ باشا رقم 915 ، 729 هـ جامعة إستانبول

2/517 ورقة ورقة 25-203 ، 862 هـ رقم 961

ورقة 151 ؛ رقم 1145 ورقة 107 ؛ رقم 427 ورقة

78 ؛ نشر في طهران 1336 ، 1362 ؛

5 - رباعيات فخر الدين العراقي (ف)

نورعثمانيه رقم 3/4195 ورقة 122-135 في الهامش

837 هـ

6 - الرسالة القدسية - في التصوف (ف)

أحمد ثالث رقم 1467 ورقة 326 ؛

7 - رساله ء تلقينيّه - في التصوف (ف)

نجيب باشا 20/333 ورقة 505-511 ، 1062 هـ

8 - شرح أشعة لمعات العراقي (ف)

أمانت خزينه سي 1179 ورقة 60 ، 1020 هـ

عرفان اسلامی است. «هر لمعه‌ای از آن بحری است متضمن جواهر کشف و لآلی وجدان، و حقیقه‌ای است مشتمل بر ازهار علم و اشجار عرفان، در بیان منازل عشق و محبت و در ذکر مقامات توحید و معرفت...»^۲.

لمعات از همان زمان تألیف در ردیف کتب درسی تصوف اسلامی جای گرفته است، چنانکه استاد ارجمند دکتر ذبیح‌الله صفا در «تاریخ ادبیات در ایران» در مبحث «صوفیه» قرن هفتم هجری می‌نویسد: «کتابهای فصوص الحکم و فتوحات مکیه و فکوک و لمعات و قصاید ابن فارض و شرحهای آنها از قرن هفتم به بعد در شمار کتابهای درسی عرفانی درآمدند و هنوز هم همین حال را دارند.»^۳

لمعات چون تلخیص معتقدات و تعلیقات شیخ محی‌الدین ابن عربی است که رنگ فلسفی دارد، فهم و ادراک آن برای عموم سالکان طریقت و طالبان حقیقت کار دشوار و سنگین بود، بنابراین برخی از بزرگان عرفا و مشایخ صوفیه، در زمانهای مختلف به شرح و تفسیر آن پرداختند که برای یاد گرفتن اصول تصوف و عرفان، برای رهروان معرفت سهل و آسان بشود.

تعداد شروح لمعات عراقی در فهرس و کتب مختلف به فرار زیر است:

۱. در کشف الظنون (۱۵۶۳/۲) سه شرح مندرج گردیده است.
۲. در فهرس المخطوطات الفارسیه (۹۷/۲) چهار شرح ضبط شده است.
۳. در تاریخ ادبیات فارسی، از (ص ۱۷۷) پنج شرح مذکور افتاده است.
۴. سعید نفیسی در دیباچه کلیات عراقی (چاپ چهارم، ص ۳۸-۳۹) از شش شرح یاد کرده است.
۵. ریتر دانشمند آلمانی، در مجله در اسلام (شماره: ۲۱، ص ۹۵-۹۹) از هشت شرح نام برده است.
۶. خانم دکتر ممتاز بیگم در تأثیر معنوی ایران در پاکستان (ص ۱۲) از ده شرح سخن گفته است.
۷. نگارنده این سطور به‌طور کلی بیست و نه شرح به‌دست آورده است.

شروح لمعات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

اول، شروح نسخه‌دار که عبارت است از تفاسیر لمعات که به‌صورت نسخه‌های خطی و چاپی در کتابخانه‌های مختلف شبه‌قاره پاکستان و هند و ایران و جهان محفوظ مانده است. دوم، شروح بی‌نسخه که عبارت است از تفاسیر و حواشی بر لمعات که در بعضی کتب تاریخی و

۲. شیخ یارعلی شیرازی، لمعات فی شرح اللغات، نسخه عکسی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۵۷۱۳، ص ۲.

۳. انتشارات دانشگاه تهران، ج ۳، ۱/ ۱۷۰.

Fahreddin el-Ilaki

۱۳۷۵



بررسی شروح لمعات عراقی^۱

نوشته محمد اختر چیمه

استاد زبان فارسی دانشکده دولتی فیصل آباد

رساله لمعات شیخ فخرالدین ابراهیم عراقی همدانی (۶۱۰ تا ۶۸۸ هـ / ۱۲۱۳ تا ۱۲۸۸ م) شاعر و نثرنگار دلسوخته ایران، بیگانه یکی از شاهکارهای بسیار بلند زبان و ادبیات فارسی و تصوف و

۱. از کتاب لمعات که نسخه‌های خطی فراوان دارد (رک: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، مزوری، تهران، ج ۲، ۱/ ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷) چاپهای متعدد به فرار زیر موجود است: (i) «لمعات» در ضمیمه کلیات شیخ عراقی، به کوشش سعید نفیسی، از انتشارات کتابخانه سنائی تهران، از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۲ شمسی هفت‌بار چاپ شده است. (ii) رساله لمعات عراقی مع شرح عارف کامل مولانا جامی، مطبع بشیر دکن (هند). (iii) رساله لمعات همراه رساله اصطلاحات تصوف عراقی (که به‌قول دکتر نصرالله پورجوادی، مؤلف اصلی آن شرف‌الدین حسین الفتی تبریزی است و به فخرالدین عراقی نیز نسبت داده شده است؛ نگاه کنید به: معارف، دوره دوم، شماره ۳، ۱۳۶۲ ش، ص ۴) به سعی دکتر جواد نوربخش از انتشارات خانقاه نعمت‌اللهی تهران چاپ شده است. (iv) لمعات تصنیف جمال العارفین فخرالدین عراقی، به انضمام سه شرح، با مقدمه و تصحیح محمد خواجوی، از انتشارات مولی، تهران، در سال ۱۳۶۳ و ۱۳۷۱ ش دوبار چاپ شده است. (v) لمعات با مجموعه آثار فخرالدین عراقی، به تصحیح و توضیح دکتر نسرین محتشم خزاعی، از انتشارات زوار، تهران، در سال ۱۳۷۲ ش، به چاپ محققانه رسیده است. و در مورد شروح آن نیز نگارنده این سطور در پایان‌نامه دکتری خویش (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۵۳-۱۳۵۲، ص ۳۸۲ تا ۴۰۵) گزارشی مفصل داده است. نیز رک: نسخه چاپی همین پایان‌نامه با عنوان مقام شیخ فخرالدین ابراهیم عراقی در تصوف اسلامی، از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۹۹۴ م، با اصلاح و تجدیدنظر و اضافه‌ها.

- ۴ - سعید نفیسی در دیباچه کلیات عراقی (چاپ چهارم ص ۳۸ - ۳۹) شش شرح متذکر شده است.
- ۵ - ریتر دانشمند آلمانی، در مجله در اسلام (شماره ۲۱ ص ۹۵ - ۹۹) هشت شرح را ذکر نموده است.
- ۶ - خانم دکتر ممتاز بیگم در تأثیر معنوی ایران در پاکستان (ص ۱۲) راجع به ده شرح نگاشته است.
- ۷ - نگارنده این سطور بطور کلی بیست و نه شرح را بدست آورده است.
- شروح لمعات را می توان به دو دسته تقسیم کرد:
- اول شروح نسخه دار که عبارت است از تفاسیر لمعات که به صورت نسخه های خطی و چاپی در کتابخانه های مختلف شبه قاره پاکستان و هند و ایران و جهان محفوظ مانده است.
- دوم، شروح بی نسخه که عبارت است از تفاسیر و حواشی بر لمعات که در بعضی کتب تاریخی و عرفانی ذکر آنها رفته ولی از نسخه های آنها خبری و اطلاعی بدست نیامده است.
- ما در اینجا همه شرح های لمعات را خواهیم آورد و به ترتیب زمانی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱ - شرح لمعات از درویش علی بن یوسف الکرکری

از شرح حال درویش علی فرزند یوسف الکرکری خبری نیست، جز اینکه به گفته استاد سعید نفیسی وی از متصوفه اوایل قرن نهم هجری بوده و کتابی در تصوف به نام زبدة الطریق دارد، که در ۸۰۵ هـ ق (۱۴۰۲ م) به پایان رسانیده و شرحی بر لمعات عراقی نیز نوشته است. ۵.

مؤلف مستقیماً به شرح متن لمعات پرداخته اقوال و ابیات شیخ ابن عربی، شیخ صدرالدین قونیوی، شیخ اوحالدین کرمانی، حکیم سنایی، خواجه عطار و مولانای رومی را بطور شواهد آورده. علاوه بر آن اسامی سلطان ولد و شیخ عبدالرزاق و مولانا محمد شیرین نیز در نسخه دیده شده. شارح، شیخ عراقی را به

دکتر محمد اختر چیمه
دانشکده دولتی فیصل آباد
پاکستان

بررسی شروح لمعات عراقی ۱

رساله "لمعات" شیخ فخرالدین ابراهیم عراقی همدانی (۶۱۰ - ۶۸۸ هـ/ ۱۲۱۳ - ۱۲۸۸ م) شاعر و نثرنگار دلسوخته ایران، بی گمان یکی از شاهکارهای بسیار بلند زبان و ادبیات فارسی و تصوف و عرفان اسلامی است. هر لمعه ای از آن بحریت متضمن جواهر کشف و لالی وجدان، و حدیقه ای است مشتمل بر ازهار علم و اشجار عرفان. در بیان منازل عشق و محبت و در ذکر مقامات توحید و معرفت... ۲. "لمعات" از همان زمان تألیف در ردیف کتب درسی تصوف اسلامی جای گرفته، چنانکه استاد ارجمند دکتر ذبیح الله صفا در کتاب "تاریخ ادبیات در ایران" در بحث "صوفیه" قرن هفتم هجری می نویسد: "کتابهای فصوص الحکم و فتوحات مکیه و فکوک و لمعات و قصاید ابن فارض و شرحهای آنها از قرن هفتم بعد در شمار کتابهای درسی عرفانی درآمدند و هنوز هم همین حال را دارند." ۳

لمعات چون تلخیص معتقدات و تعلیمات شیخ محی الدین ابن عربی است، رنگ فلسفی دارد، و فهم و ادراک آن برای عموم سالکان طریقت و طالبان حقیقت کار دشوار و سنگین بود. بنابر این برخی از بزرگان عرفا و مشایخ صوفیه، در زمان های مختلف به شرح و تفسیر آن پرداختند تا برای یادگرفتن اصول تصوف و عرفان رهروان معرفت سهل و آسان بشود.

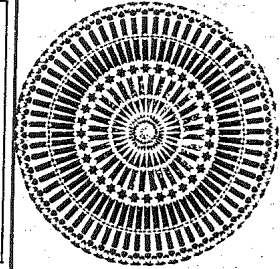
تعداد شروح لمعات عراقی در فهراس و کتب مختلف به قرار زیر است:

- ۱ - در کشف الظنون (۱۵۶۳/۲) سه شرح مندرج گردیده است.
- ۲ - در فهرست المخطوطات الفارسیه (۹۷/۲) چهار شرح ضبط شده است.
- ۳ - در تاریخ ادبیات فارسی، ص ۱۷۷ پنج شرح مذکور افتاده است.

28 KASIM 1996

D 1546

شیخ فخرالدین عراقی و رساله لمعات



بهرروز صاحب اختیاری

مقدمه

عشق - از لطیف‌ترین مباحث تفکر ذوقی و از معنوی‌ترین عوالم احساسات پاک بشری بشمار می‌رود. زبان عشق، یگانه زبان انسانی در حوزه وحدت تمدن و فرهنگ و ادبیات اقوام مختلف (در طول تاریخ تمدن بشری و در پروسه تکاملی فرهنگ ملل مختلف) تعبیر شده است.

بدون شک در بررسی زوایای جهان بینی عرفان اسلامی (بویژه در نزد پارسی زبانان)، مبحث عشق از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و می‌باشد.

مقوله عشق از مهم‌ترین موضوعاتی بوده که عارفان بدان اعتباری والا (آنگونه که می‌باید باشد) بخشیده‌اند.

از مشهورترین کتب و رسالاتی که بطور مستقل در موضوع لطیف عشق نگاشته شده است می‌توان از رساله «سوانح» (بعبارتی «السوانح فی معانی العشق» و بدیگر

بیان «سوانح العشا» حضرت خواجه احمد غزالی (م ۵۲۵ هـ ق) نام برد.

رساله سوانح، اولین رساله‌ای می‌باشد که بطور مستقل درباره عشق به زبان فارسی نوشته شده است به علت وجود بار معانی لطیف و بدیع در موضوع عشق در رساله سوانح، محتوای تصوف عشق‌آمیز مکتب خراسان هر چه پر بارتر گشته و کیفیت و غنای آن بیش از پیش افزون‌تر گردید.

پس از رساله سوانح، نگارش رساله‌های موسوم به «عشقیه» به زبان پارسی وسعت بیشتری یافت.

نگارش رساله سوانح در میان عارفان ایرانی و فارسی زبان آنچنان تأثیر عظیمی بر جای نهاد که پس از آن مبحث عشق، شوریدگانی را به شرح و تفسیر آوا داشت.

این احتمال وجود دارد که نفوذ «سوانح» خواجه احمد غزالی

رساله لوائح (منسوب به عین‌القضاة همدانی و حمیدالدین ناگوری و عبدالملک ورکانی)، رساله لمعات شیخ فخرالدین عراقی، و لوائح عبدالرحمن جامی از همین نوع تأثیر پذیری منشأ و سرچشمه گرفته است.^۱ نویسنده معاصر دکتر پور جوادی این تأثیر پذیری آزاد را «تقلید» نام نهاده و گفته‌اند: «در واقع می‌توان گفت که غزالی در نوشتن کتاب سوانح، شیوه جدیدی را در ادبیات فارسی پایه‌گذاری نموده و کتابهایی چون لوائح حمیدالدین ناگوری (منسوب به عین‌القضاة همدانی) و لمعات فخرالدین عراقی و لوائح عبدالرحمن جامی به «تقلید» از کتاب او تدوین شده است.»^(۱)

و باز در جای دیگر عنوان نموده‌اند: «یک اثر دیگر هست که به عین‌القضاة همدانی نسبت داده شده به نام

(وبطور کلی تصوف عشق‌آمیز مکتب خراسان) نه تنها بر عارفان و صوفیان ایرانی، بلکه بر تصوف مغرب جهان اسلامی و در آراء ابن عربی نیز (بویژه در فصوص وی) تأثیر گذارده باشد. اوسریت مکتب خراسان با بار معنایی عظیم آن (و تأثیر آن بر دیگر نحل‌های صوفیانه)، بدون شک بر مکاتب پس از آن بویژه مکتب ابن عربی قابل بررسی و تأمل و تعمق می‌باشد.

حقیق در باب «عشق» کتابی تدوین نموده، که حامل و جامع آراء فلاسفه، عرفا و صوفیه، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، و سایر مکاتب اجتماعی... می‌باشد که نظرات حکما و متفکران متقدم و متأخر و معاصر در آن طرح و مورد بررسی قرار گرفته است. در انتهای کتاب عشق، فهرستی تقریباً کامل از کتابشناسی عشق و عشق‌نامه‌ها گردآوری شده است. امید آنکه هرچه زودتر بر محضر صاحب‌دلان تقدیم شود.

دکتر پور جوادی درباره اثبات نظریه خود مبنی بر صحت انتساب کتاب لوائح به خواجه حمیدالدین ناگوری در پاورقی صفحه ۲۷ از مقدمه خود بر کتاب سوانح چنین آورند: [در نسخه خطی محفوظ در کتابخانه ملک به شماره ۴۱۹۶ به این مطلب تصریح شده است. برخی نیز آن را عبدالملک ورکانی نسبت داده‌اند. رجوع کنید به «رسائل عشقی»، محمدتقی دانش‌پژوه، در مجموعه سخنرانیهای دومین کنگره تحقیقات ایرانی، جلد دوم، مشهد-۱۳۵۲، صفحه ۵۳۱].

اما جناب ایرج افشار نیز نظر دیگری داشته و صحت انتساب لوائح را به عبدالملک ورکانی معتبر دانسته‌اند [ضمناً ناگفته نماند که بنام «لوائح» رساله مهم دیگری در مباحث عرفانی هست که نخستین بار به همت دکتر رحیم فرمنش (چاپ تهران ۱۳۳۷) طبع شد و طبع دومش

لوائح. این اثر بنا به اقرار مؤلف به «تقلید» از کتاب سوانح نوشته شده اما مؤلف آن به تحقیق عین‌القضاة نیست، بلکه به احتمال قوی، از شخصی به نام خواجه حمیدالدین ناگوری (م ۶۴۳) می‌باشد.^(۲)

در همینجا متذکر می‌شود که در این مقال، فرصت پرداختن به صحت انتساب رساله لوائح به تفصیل نمی‌باشد. اگر این تأثیر پذیری را به عبارتی تساسی جویی و یا شرح عبارات بسیار لطیف و دشوار سوانح بنامیم، پس از مطالعه سوانح و لمعات و سایر کتابهایی که در این نسق تدوین یافته‌اند، در خواهیم یافت که متأثر شدن از سوانح و لمعات و سایر کتابهایی که در این نسق تدوین یافته‌اند، در خواهیم یافت که متأثر شدن از سوانح نه تنها به نوع جملات آن محدود نگشته

اخیراً توسط کتابفروشی منوچهری انتشار یافت و بر اساس تحقیقات بعدی عین شد که لوائح اخیر مورد سخن، تألیف عبدالملک ورکانی متوفای ۵۷۳ هـ ق است (رجوع شود به رسائل عشقی، نوشته محمدتقی دانش‌پژوه در کتاب سخنرانیهای دومین کنگره تحقیقات ایرانی در دانشگاه مشهد، جلد دوم، صفحه ۵۳۱، مشهد ۱۳۵۲. و نیز رجوع شود به فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تألیف احمد منزوی، جلد دوم، صفحه ۱۳۵۵، تهران ۱۳۴۹) به نقل از صفحه ۵ مقدمه ایرج افشار بر کتاب «لوائح و لوائح عبدالرحمن جامی» چاپ اول، انتشارات کتابفروشی منوچهری، تهران، اردیبهشت ۱۳۶۰.

و آخرین نظر مربوط است به آراء دکتر قاسم انصاری در همین مورد، ایشان نیز اعتقاد به انتساب لوائح به عبدالملک ورکانی داشته و معتقدند که [رساله لوائح به فارسی، در حقایق عشق. این کتاب به همت دکتر فرمنش در سال ۱۳۳۷ تصحیح و طبع شده است، اما از همان زمان انتشار، انتساب این کتاب به عین‌القضاة مورد تردید بود، مطابق آخرین تحقیقی که انجام گرفته به نظر آقایان دانش‌پژوه و احمد منزوی این کتاب از عبدالملک ورکانی متوفای ۵۷۳ است. رجوع شود به فهرست میکروفیلمها، ۱۵۳۲. و نیز فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۱۳۵۵/۲ و ۱۳۵۶] به نقل از صفحه ۱۱ مقدمه دکتر قاسم انصاری بر رساله دفاعیات عین‌القضاة، چاپ اول، انتشارات کتابخانه منوچهری، تهران، دیماه ۱۳۶۰.

باتوجه به مطالب فوق، مشخص می‌شود که لوائح از عین‌القضاة همدانی نمی‌باشد. و صحت انتساب لوائح به دو عارف متفکر یعنی خواجه حمیدالدین ناگوری و خواجه عبدالملک ورکانی را به بحثی دیگر حواله می‌نماید.

Feuillebois-Pierunek Ève,
 À la croisée des voies célestes :
 Faxr al-Din 'Erâqi, poésie mystique et
 expression poétique en Perse médiévale

Téhéran, Institut français de recherche en Iran,
 2002 (Bibliothèque iranienne 56). 347 p.

La publication de cette thèse en iranologie révèle les qualités d'une chercheuse dans le domaine du soufisme et de la littérature persane médiévale. Pour travailler sur l'œuvre de Faxr al-Din 'Erâqi, Madame E. Feuillebois-Pierunek a dû acquérir une triple compétence : la connaissance du soufisme classique d'expression arabe, celle de l'œuvre d'Ibn 'Arabi et de son école à laquelle se rattachait 'Erâqi et celle de la poésie persane, profane et soufie. Le vaste effort accompli pour s'informer dans tous ces domaines se retrouve à chaque page. L'œuvre du poète est constamment mise en perspective dans l'ensemble de la tradition du soufisme, d'expression arabe et persane. L'ouvrage est destiné aussi bien aux spécialistes qu'aux non-spécialistes qui pourront le lire comme une introduction à tous les domaines qu'il recouvre et ce n'est pas l'un de ses moindres mérites que de se laisser lire aisément, dans une langue accessible et élégante. L'annotation renvoie le plus souvent aux textes de 'Erâqi, mais suggère parfois quelques voies de comparaison avec d'autres traditions spirituelles. Les spécialistes du soufisme et de la littérature persane y découvriront une matière riche et de nombreuses citations agréablement traduites. Le lecteur non-spécialiste, en lisant ce livre, aura tout le loisir de se familiariser avec la doctrine du soufisme et l'expression de l'amour dans la poésie classique persane.

Constatant que peu d'études, surtout en français, analysent en profondeur l'ensemble d'une œuvre essentiellement poétique, Madame Feuillebois-Pierunek a choisi d'aborder celle de 'Erâqi sous l'angle thématique. L'introduction rappelle tout d'abord le peu que l'on sait sur ce poète soufi né en 610/1213 dans les environs de Hamadan. Il étudie puis enseigne les sciences religieuses dans cette ville, jusqu'à l'arrivée d'un groupe de *qalandars*, derviches errants aux comportements et à l'allure souvent antinomiques, qui bouleversent sa vision des choses et l'entraînent dans une série de pérégrinations qui le conduisent jusqu'en Inde. Il y rencontre à Multan le cheikh Zakariyâ', disciple de 'Umar Suhrawardî. Ce maître le fait entrer en retraite, le marie avec sa fille et le désigne comme son successeur. La jalousie des autres disciples le contraint à quitter Multan. Il accomplit le pèlerinage à La Mecque et, de là, se rend à Qonya où il suit l'enseignement de Şadr al-Din al-Qūnawî, le disciple d'Ibn 'Arabi et fréquente Ğalâl al-Din Rūmi. L'invasion mongole le contraint à se réfugier en Égypte. De là, il se rend en Syrie où il meurt à Damas en 688/1289. Outre son *Diwân* qui comporte environ 4500 vers, 'Erâqi a composé un traité de soufisme en prose, les *Lama'ât*, « Éclairs » ou « Lueurs »

(traduit en anglais par W. Chittick et P. Wilson : 'Eraqî, *Divine Flashes*, N.W. Ramsay-Tronto, Paulist Press 1982).

L'approche thématique d'une œuvre a ses avantages et ses inconvénients. Elle impose un découpage de la matière étudiée en un certain nombre de rubriques qui empêche quelque peu de reconstruire son unité. C'est un peu le cas ici. L'étude est divisée en quatre parties :

1. Métaphysique de l'amour : unité et "tri-unité" (amour, amant, aimé), le couple amant-aimé, la remontée vers l'Un, l'univers des théophanies, la réalisation spirituelle ;
2. Typologie des personnages : l'amant, l'aimé, autres personnages (dont le Guide) ;
3. Psychologie mystique : expériences heureuses (vers la réalisation spirituelle, l'extase, la vision de Dieu, l'union), expériences douloureuses (séparation et éloignement, folie et stupeur...);
4. Modes d'expression : le libertinage, l'ivresse et le vin, contemplation des beaux jeunes gens (*shâhedbâzi*).

On voit que ce découpage thématique parvient difficilement à reconstruire l'unité de l'œuvre, d'autant plus que l'auteur a choisi d'aborder la poésie de 'Erâqi sous l'angle doctrinal plus que littéraire. Elle n'en apporte pas moins d'ailleurs une contribution appréciable tant à l'histoire de la littérature persane classique qu'à l'étude des métaphores récurrentes dans la poésie amoureuse.

M^{me} Feuillebois-Pierunek a pris aussi le parti de replacer systématiquement l'œuvre de 'Erâqi dans le contexte général du soufisme d'expression doctrinale et poétique, en langue arabe ou persane, un peu comme l'avait fait Helmut Ritter dans *Das Meer der Seele*. La formation complexe de 'Erâqi lui imposait de plus de prendre connaissance de l'œuvre d'Ibn 'Arabi. Les citations qu'elle en donne sont en général bien venues. Notons, dans ce contexte doctrinal, que le terme de *qât* ne saurait être traduit ici par "substance" mais toujours par « essence ». Cette volonté de situer constamment le poète dans la tradition du soufisme et de la poésie persane rend parfois difficile à saisir ce qui fait sa spécificité. Prenons par exemple le passage sur le « guide », assimilé à l'Homme universel ou au prophète dans sa dimension ésotérique. On aurait aimé savoir plus précisément la place de cette notion chez 'Erâqi. Ou bien cette place est fondamentale, mais cela n'apparaît pas avec évidence, ou bien elle ne l'est pas, du moins dans son œuvre. Si tel est le cas, cette constatation permet d'évaluer ce qu'il a retenu ou non de l'enseignement akbarien où la notion d'*insân kâmil* est fondamentale. Cette étude comporte un certain nombre de développements fort utiles, comme celui sur la *qalandariyya* ou le *shâhebâzi*. La traduction de *qalandariyya* par « libertinage » pose quelque problème. Il faut sans doute faire une distinction entre les principes initiatiques et les pratiques de cette voie particulière qui a attiré un moment 'Erâqi et le dépassement radical de l'orthodoxie et de l'orthopraxie. De plus quel est l'apport du poète dans ce domaine par rapport à ses prédécesseurs, tels Aḥmad Ğazâlî ou 'Ayn al-Qudât ? De même, à propos du

'Erāqī, Fakhroddīn Ebrāhīm b. Shahryār (b ?Hamadan, d 1289 Damascus), Persian mystic poet, one of the most remarkable personalities of his time. Most of his life was spent travelling in India, to Mecca and Konya, in Egypt and Syria. He was a disciple of several famous saints. There are many legends about his life, particularly about his birth and his travel to India; his work reveals an ecstatic and ardent soul. His mystic beliefs are comparable to those of Jalāloddīn Rūmī (qv). The most striking

of his works is the *Lama'āt* (Flashes), a prose treatise with verses, influenced by the theosophical ideas of Ibn al-'Arabī (d 1240). 'Erāqī's conception of mystical love had a wide response and many commentaries on the *Lama'āt* were written; the best known is by the poet Jāmī (qv). 'Erāqī's charming *maṣnavī* (qv) on love interspersed with *ghazals* (qv) is more easily understood; it is called '*Oshshāqnāme* (The Song of Lovers) or *Dah faṣl* (Ten chapters).

Trans.: A. J. Arberry, *The Song of Lovers* (London 1939). HS

DICTIONARY OF ORIENTAL LITERATURES, ed. JIRI BECKA
c. III, () LONDON. s.

48-49

Helena Spurná

21 MART 1991

22 MARCH 2004

685. PIERUNEK, Eve. « Le courant "libertin" (qalandarī) dans la poésie persane : l'exemple de Fakhr al-Dīn 'Erāqi ». *Luqmān*, 13, 1 (1996), pp. 57-69.

Le *qalandar* comme type littéraire. La provocation comme face apparente, et la lutte sincère contre l'âme charnelle, pour la vie cachée. Réflexions pertinentes d'une spécialiste de 'Erāqi.

C.F.

Fahreddin-i Iraki

عبدالله محمد الحبشي، جامع الشروح والحواشي، (معجم الشامل لأسماء الكتب المشروخة في التراث الإسلامي وبيان شروحه)، الجزء الثالث، 1425/2004 ابو ظبي، ص. 1532-33. ISAM 130566.

Fahre dan De...
—

اللمعات

الدكتور الشيخ فخر الدين إبراهيم بن شهر يار الهمداني المعروف بالعراقي المتوفى سنة ٦٨٨هـ .
— (كحالة ١: ٣٨).

شجاع الدين بن جلال الدين السهروردي
التجاري الملتاني الهندي المتوفى سنة ٩٠١هـ .
(هدية العارفين ١: ٤١٠) .
— شرح لمعات العراقي.

عبد النبي بن عبد الله الشطاري الكجراتي .
— شرح اللمعات
(معارف العوارف: ١٨٩) .

نظام الدين عبد الشكور البلخي التهانيسري
الهندي المتوفى سنة ١٠٣٦هـ (هدية العارفين
٢: ٤٩٥، معارف العوارف: ١٨٩) .
— شرح اللمعات.

عبد القادر بن محيي الدين الصديقي القادري
الأربلي المتوفى سنة ١٣١٥هـ (هدية العارفين
١: ٦٠٥) .
— شرح اللمعات .

علي بن زين الدين بن سياوش بن أورده المعروف
بيار علي الشيرازي المتوفى سنة ٨١٢هـ (هدية
العارفين ١: ٧٢٨) .
— لمحات في شرح اللمعات للعراقي (فارسي).

صابر الدين علي بن داود بن سليمان الأصبهاني
الفارسي المتوفى سنة ٨٣٦هـ (هدية العارفين
١: ٧٣٠) .
— ضوء اللمعات في لمعات العراقي.

نور الدين عبد الرحمن بن أحمد الجامي المتوفى
سنة ٨٩٨هـ (سبق) .
— شرح لمعات العراقي
(هدية العارفين ١: ٥٣٤) (فارسي) .

أوله :
لولا لمعات برق نور القدم
من نحو حمى الجود وحي الكرم
(كشف الظنون: ١٥٦٤) .